

گناهان مختلف





گناہان چشم

گناہان زبان

گناہان شکم

گناہان جنسی

گناہان حق الناس

گناهان چشم

چشم چرانی

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...»

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ⁽¹⁾.

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه خاص هم برای زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند.

چشم انسان از اعضای است که بیشتر گناهان به سبب و وسیله آن انجام می‌شود. و در سخنان بزرگان دین آمده که **هر که بتواند چشم خود را کنترل نماید، از بسیاری از گناهان خود را دور نموده است.**

یکی از گناهان چشم، چشم چرانی و هیز بودن و نگاههای شهوانی به نامحرم است. چه از طرف مرد نسبت به زن نامحرم و چه از طرف زن نسبت به مرد نامحرم.

«آمده است که جوان عربی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در کوچه مشاهده کرد که زن جوانی از روبرو می‌آید! این جوان شروع به چشم چرانی به زن نمود بطوریکه حواسش پرت شد و متوجه استخوانی که در سوراخ دیوار فرو شده بود، نشد و استخوان به گونه‌اش اصابت کرد

و خون جاری شد! جوان با همین حالت نزد پیامبر بعنوان طیب الهی رفت و ماجرای این حادثه را گفت. حضرت فرمود: **همانا نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است**.⁽¹⁾

چشم انسان مانند دوربین بسیار قوی فیلمبرداری است که همه صحنه هارا علاوه بر نشان دادن به مغز در همان آن، در حافظه ذخیره می کند **و بسیاری از خوابها و رؤیاهای و حتی تصورات آدمی از جهان به همین تصاویر باز می گردد.**

جوانی که از صبح تا شب چشمش بدنبال زیبارویان در گردش است، اگر در خواب جنب و محتمل شود و خوابهای شیطانی ببیند، طبیعی است. و هرگاه روز با خوبان و صالحان همنشین باشد و توسلات به معصومین علیهم السلام داشته باشد اگر در خواب، امام زمان (عج) و زیارتگاه ببیند، باز طبیعی است.

«روزی حضرت عیسی علیه السلام بایارانش برای دعای طلب باران از شهر خارج شدند. موقع دعا، عیسی علیه السلام گفت: هر که گناهی مرتکب شده برگردد. همه بجز یکنفر باز گشتند. حضرت به او گفت: تو گناهی مرتکب نشده ای؟ گفت: خیر بجز اینکه روزی در حال عبادت بودم که زنی از مقابلم عبور کرد و من ناخواسته بتمشای او مشغول شدم. ناگاه بخود آمدم و بخاطر این کار زشتم، چشم خود را در آوردم و بطرفی که زن رفت بود، پرتاب کردم!

حضرت فرمود: پس تو دعا کن تا من آمین گویم! او دعا کرد و عیسی علیه السلام آمین گفت و باران آمد.»⁽²⁾

یکی از نشانه های پاکی چشم، دور ماندن چشم از نگاههای شهوانی است. لذا وقتی دختر شعیب علیه السلام نزد موسی علیه السلام آمد و گفت: پدرم تو را به خانه دعوت کرده و مرا فرستاده تا تو را راهنمایی کنم. موسی علیه السلام چند قدمی بدنبال دختر رفت و گفت: ما خاندانی هستیم که پشت سر زن نگاه نمی کنیم. پس من جلو می روم و تو از پشت سر بیا و هر کجا نیاز به راهنمایی شد، با انداختن سنگ علامت بده!⁽³⁾

اگر چشم را کنترل نکنیم، دل را گرفتار کرده ایم و اگر دل گرفتار شد، سر به رسوائیها خواهد زد.

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

زدست دیده و دل هردو فریاد

زنم بردیده تا دل گردد آزاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد

«چه بسیار نگاههای کوتاهی که بدبختی‌های بزرگ و طولانی به ارمغان آورده است. ازدواجهائی که با یک نگاه شروع شده و عاقبت در مدت کوتاهی با یک نگاه دیگر به طلاق کشیده می‌شود.»

«علی علیه‌السلام: هر که نگاهش به نامحرمین زیاد باشد، فکرش دائماً مشغول خواهد بود.»

«ای رسول! به مردان مؤمن بگو چشم خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند که این مسئله برای پاک بودنشان لازم‌تر است و به زنهای مؤمنه هم بگو که چشمهای خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند...»⁽¹⁾

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: هیچ وسیله برای پاکی باندازه پاک بودن چشم و بستن آن بر روی حرام نیست. که هر که چشم خود را بر حرام بست، خدا به دلش توفیق مشاهده عظمت الهی را می‌دهد»

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: هر که چشمش را از حرام پُر کند، خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پر کند، مگر اینکه توبه کند و دیگر عمل حرام را انجام ندهد.»⁽²⁾

«در روایت است که هر که به نامحرمی برخورد و برای رضای الهی، چشم خود را از او برگرفت و دیگر نگاه نکرد، اگر مرد باشد در همان ساعت، حورالعینی بازدواجش در می‌آورند و اگر بر این صفت خوب مداومت کند، خداوند شیرینی مناجاتش را به او می‌چشاند و ملکوت خود را برداش باز می‌کند.»⁽³⁾

«گویند مغازه داری به زنانی که از مقابل دکانش رد شده خیره نگاه می‌کرد و بر زبان لا اله الا الله! جاری می‌کرد. یک نفر برای تذکر به او وارد مغازه‌اش شد و جنسی را خواست. مغازه دارد برای آوردن جنس مدتی در داخل مغازه بود که خانمی از مقابل مغازه‌اش عبور کرد. وقتی مغازه دار جنس مشتری را آورد، مشتری گفت: شما که مشغول آوردن جنس من بودید، یک لا اله الا الله! از مقابل مغازه شما رد شد!!»

«پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله: سخت است غضب خدا بر زن شوهرداری که چشمش را از حرام پر کند»⁽⁴⁾

«پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله: کسیکه به عورت دیگری نگاه کند، ملعون است»⁽⁵⁾

«پیامبر صلی الله علیه و آله : اگر از آسمان بیافتم و دونیم شوم برایم بهتر است که به عورت کسی نگاه کنم و یا کسی به عورت من نگاه نماید»⁽¹⁾

چشم ترس مرحوم قاضی

خود ایشان می گوید: « چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من « منّت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته بود.¹

نگاههای حلال: والدین. کعبه. همسر. اب جاری. مخلوقات خدا و ..

چشم برای نگاههای حلال در اختیار ما به امانت داده شده است نگاه به همسر و والدین و فرزندان و محارم و دوستان و علما و کعبه و قران و اب جاری و عظمت الهی و آیات انفس و افاقی و ...

پس عهد ببندیم به حرام نگاه نکنیم. به آنچه برای ما ممنوع است نگاه نکنیم.

چهل سال به خواهر زن نگاه نکرد!

از مرحوم ارباب استاد ایه الله بروجرودی و استاد مرحوم نخودکی نقل شده که من با خواهر زنم در یک منزل بودیم به مدت چهل سال . یکبار به خواهر زنم نگاه نکردم!²

اگر می خواهیم چشممان لیاقت نگاه به امام زمان پیدا کند از حرام چشم ببوشیم.

«روزی خاتم پیامبران (ص)، در جمع مسلمانان سؤال کرد: مرا خبر دهید که بهترین چیز برای زنان کدام است؟ [بسیاری از حاضران جواب هایی دادند که مورد تأیید قرار نگرفت تا اینکه] حضرت زهرا علیها السلام عرض کردند: (خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ) بهترین چیز برای زنان آن است که مردی را نبینند و مردی هم آنان را نبیند .

¹سید علی قاضی و شاگردانش

²خاطرات ایه الله عبدالخالق عبداللهی از شاگردان مرحوم ایه الله ارباب

جواب صحیح فاطمه زهرا (س) پس از ناتوانی حاضران، چنان پیامبر (ص) را به وجد آورد که فرمود:

فاطمه پاره تن من است.» (بحار الانوار، ج 43، ص 92)

مغازة دارها مواظب باشند

جوانی می گفت هر شب شیطونی می شوم وقتی از شغلش سوال شد گفت دست فروشم.

معلوم شد که بخاطر شغلش مرتب به زنها و مردها خیابان نگاه می کند و نگاه به زنها باعث می شود در خواب محتمل و جنب شود.

روحانی که تلویزیون پشت بخاری گذاشته بود

یکی از علما تلویزیون را پشت بخاری گذاشته بود تا فقط صدای آن را بشنود و تصاویر نامحرم را نبیند!

مرحوم تربتی و در منزل دختری که قرار بود بگیرد

ایشان در جوانی قرار بود با دختری ازدواج کند که سر نگرفت. ایشان فرمود با اینکه اکثرا از در خانه آن دختر عبور می کردم و لی هرگز به در خانه او نگاه نکردم!

گوهرشاد و جوانی که چشم چرانی کرد..

گوهرشاد خانم (همسر شاهرخ میرزا و عروس امیر تیمور گورکانی) سازنده ی مسجد معروف گوهرشاد مشهد، پیش از ساختن مسجد به دست اندرکاران گفت: از محل آوردن مصالح ساختمانی تا مسجد برای حیوانات باربر ظرفهای آب و علف بگذارید، مبادا حیوانی در حال گرسنگی و تشنگی بار بکشد. از زدن حیوانات پرهیز کنید، ساعات کار باید معین باشد و مزد مطابق زحمت داده ...شود و

گوهرشاد خانم، بیشتر وقتها خود جهت هدایت و سرکشی حاضر می شد و دستورات لازم را می دارد. روزی یکی از کارگران به طور ناگهانی چشمانش به صورت او افتاد و در اثر همین نگاه، آتش عشق در وجودش شعله ور گشته و عاشق دلباخته ی او شد؛ اما در این باره نمی توانست چیزی بگوید تا اینکه غم و غصه ی فراوان او را مریض کرد. به خانم گزارش دادند که یکی از کارگران که با مادرش زندگی می کرد مریض شده است. بعد از شنیدن این ماجرا خانم به عیادتش رفت و علت را جویا شد. مادر کارگر جوان گفت: او عاشق شما شده است
خانم با اینکه عروس شاهزاده بود، اما هیچ ناراحت نشد! به مادر جوان گفت: باشد، وقتی من از همسرم جدا شدم با او ازدواج

می کنم ولی به شرط اینکه مهریه من را قبل از ازدواج بپردازد و آن این است که چهل شبانه روز در محراب این مسجد نیمه کاره عبادت کند.
جوان پذیرفت، چند روز از پی عشق او عبادت کرد؛ ولی با توجه خاص امام رضا (علیه السلام) حالش تغییر یافت (و از آن پس بخاطر خدا عبادت کرد).

پس از چهل روز، گوهرشاد خانم از حالش جویا شد، جوان به فرستاده ی خانم گفت: به خاطر لذتی که در اطاعت و بندگی خدا (یافتم، از لذت نفس شهوانی پرهیز کرده ام، بخاطر اینکه لذت عبادت را فهمیده ام، دیگر عاشق خدا شده ام

شیخ مفید و دو شاگرد بزرگوارش

سید رضی و سید مرتضی نوجوان بودند که برای درس نزد شیخ مفید آمدند. شیخ فقط روز اول به آنها نگاه کرد و دیگر تا چند سال که به آنها درس می داد صورت آنها را ندید تا اینکه مادرشان روزی آمد و گفت شیخ! فرزندان من ریش و سبیل درآورده اند! وقت ازدواجشان است. شیخ نگاه کرد دید اری اینها بزرگ شده و محاسن دارند.³

و این همان ورع و تقوایی است که انسان را به خدا می رساند و نجات دهنده انسان در دو سرا است.

أَوَّلُ نَظَرَةٍ لَكَ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ الثَّالِثَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ لَا يَغْيِرُهُ أَغْيَةُ اللَّهِ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ «دعائم: 3: الاسلام، ج 2، ص 202»
«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): مَنْ أَطْلَقَ نَاطِرَهُ اتَّعَبَ حَاضِرَهُ مَنْ تَتَابَعَتْ لِحْطَانُهُ دَامَتْ خَيْرَاتُهُ» «جامع الاخبار، ص 4:93
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله): مَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ حَرَامًا يَحْشَوْهَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسَامِيرَ مِنْ نَارٍ ثُمَّ حَسَاهُمَا تَارًا إِلَى أَنْ تَقُومَ النَّاسُ ثُمَّ يُومَرُ: 5: به إِي التَّارِ جَامِعِ الْأَخْبَارِ، ص

مساله شرعی:

احکام نگاه کردن (از رساله امام خمینی)

2433 نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستها اگر به قصد لذت باشد حرام است ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می باشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند نگاه نکند.

2434 اگر انسان بدون قصد لذت به صورت و دستهای زنهای اهل کتاب مثل زنهای یهود و نصارا نگاه کند در صورتی که نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد.

³داستانهایی از زندگی علماء

- 2435 زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند.
- 2436 نگاه کردن به عورت دیگری حرام است اگر چه از پشت‌شیشه یا در آئینه یا آب صاف و مانند اینها باشد و احتیاط واجب آن است که به عورت بچه‌میز هم نگاه نکنند. ولی زن و شوهر می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.
- 2437 مرد و زنی که با یکدیگر محرمند اگر قصد لذت نداشته باشند می‌توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.
- 2438 مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.
- 2439 عکس برداشتن مرد از زن نامحرم حرام نیست، ولی اگر برای عکس برداشتن مجبور شود که حرام دیگری انجام دهد مثلاً دست به بدن او بزند یا نظرش به صورت زینت‌شده او یا به سایر بدن او بیافتد، نباید عکس او را بردارد. و اگر زن نامحرمی را بشناسد، در صورتی که آن زن متهتك نباشد نباید به عکس او نگاه کند.
- 2440 اگر در حال ناچاری زن بخواهد زن دیگر، یا مردی غیر از شوهر خود را تنقیه کند، یا عورت او را آب بکشد باید چیزی در دست کند که دست او به عورت نرسد و همچنین است اگر مرد بخواهد مرد دیگر دیگری، یا زنی غیر زن خود را تنقیه کند یا عورت او را آب بکشد.
- 2441 اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند.
- 2442 اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند، بنابر احتیاط واجب باید آئینه را در مقابل گذاشته و در آن نگاه کند ولی اگر چاره‌ای جز نگاه کردن به عورت نباشد اشکال ندارد.

نگاه ها ، به طور کلی، به هشت بخش تقسیم می شود که عبارتند از

نگاه مرد، که خود دارای سه بخش می باشد -1

- نگاه مرد به مرد

- نگاه مرد به زن

- نگاه مرد به بچه ها

نگاه زن، که به سه بخش تقسیم می شود -2

- نگاه زن به زن

- نگاه زن به مرد

- نگاه زن به بچه ها

نگاه در حالت شک -3

نگاه به عکس، که خود به پنج قسم تقسیم می شود -4

- نگاه مرد به عکس زن نا محرم

- نگاه با خوف به عکس

- نگاه به عکس های مبتذل

- نگاه به عکس بچه ها

- نگاه به عکس مرد

نگاه به فیلم -5

نگاه به میت -6

نگاه برای معالجه -7

نگاه به زنی، که قرار است با او ازدواج کند -8

قاعده ی کلی در باب نگاه

نگاه به قصد لذت جنسی به هر شکل که باشد حرام است -1

(9) . نگاه همسر به همسر چه با لذت و چه بدون لذت ، چه عورتین و چه غیر عورتین جایز است -2

نگاه کردن به عورت دیگری، حتی به عورت بچه ی ممیزی که خوب و بد را می فهمد، حرام است ولی زن و -3

(10) . شوهر می تواند به تمام بدن یکدیگر، چه ظاهر چه باطن نگاه کنند

نگاه مرد به مرد:

(11). نگاه کردن مرد به بدن مرد دیگر، با قصد لذت حرام است ولی بدون قصد لذت جایز است

نگاه مرد به زن:

نگاه مرد به زن محرم: مرد وزنی که به یکدیگر محرمند، اگر قصد لذت نداشته باشند، می توانند غیر از عورت به (12). تمام بدن یکدیگر نگاه کنند

نگاه مرد به زن نا محرم مسلمان: نگاه کردن مرد به بدن زنان نا محرم مسلمان و همچنین نگاه کردن به موی آنان، چه با قصد لذت چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستهای آنان، اگر به قصد لذت باشد حرام است (13). واما بدون قصد لذت، نگاه به آنها بنا بر اظهر جایز است

نگاه مرد به زن نا محرم غیر مسلمان (کافر ذمی یا کافری که از زمان تولد، محکوم به کفر است): نگاه کردن به زنان اهل ذمه، بلکه به زنان کافری که از هنگام تولد، محکوم به کفر هستند، به جاهایی از بدن آنها که عادتاً (14). پوشانیده نمی شود، بدون قصد لذت و در صورتی که خوف واقع شدن در حرام نباشد، جایز است

نگاه مرد به بچه ها:

(15). نگاه مرد به پسر بچه: نگاه مرد به پسر بچه، به قصد لذت حرام است

(16). نگاه کردن به بچه غیر ممیز که خوب و بد را نمی فهمد، بدون قصد لذت جایز است

(17). نگاه کردن به عورت بچه ی ممیز که خوب و بد را می فهمد، حرام است

نگاه مرد به دختر بچه: احکام بالا، در رابطه ی دختر بچه ی محرم نیز جاری است

نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نا بالغ نامحرم، اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نرسد که به حرام بیفتد، جایز است ولی بنا بر احتیاط، باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند (18). نگاه نکند

نگاه زن به زن:

(19). نگاه کردن زن به بدن زن دیگر، به قصد لذت حرام است ولی بدون قصد لذت، جایز است

نگاه زن به مرد:

نگاه زن به مرد محرم: مرد و زنی که به یکدیگر محرمند، اگر قصد لذت نداشته باشند، می توانند غیر از عورت به (20). تمام بدن یکدیگر نگاه کنند

نگاه زن به مرد نامحرم: نگاه کردن زن به بدن مرد نا محرم، بنا بر احتیاط واجب حرام است؛ اما جواز نگاه کردن زن به قسمتی از بدن مرد نامحرم که غالباً باز است، مثل سر، خالی از وجه نیست، مگر اینکه این نگاه کردن، کمک (21). به معصیت باشد

نگاه زن به بچه ها:

نگاه زن به پسر بچه محرم یا نا محرم : نگاه کردن زن به بدن پسری که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد ،جایز نیست (22).

(23). نگاه کردن به بچه ی غیر ممیزی که خوب و بد را نمی فهمد، بدون قصد لذت، جایز است

(24). نگاه زن به دختر بچه : نگاه زن به دختر قبل از زمان تمیز، جایز است

(25). نگاه زن به دختر بچه ی ممیز به غیر عورتین، جایز است و به عورتین، جایز نیست

نگاه در حالت شک:

اگر شک کند این شخص از کسانی است که نباید به او نگاه کند یا کسانی که می تواند به او نگاه کند، نباید نگاه 1- کند.

اگر در جمعی شک کند به این ترتیب که می داند محرمی دارد ولی نمی داند که کدام یک از افراد این جمع 2- است، نباید نگاه کند.

اگر انسان در شخصی شک کند که مرد است یا زن (مثلا به علت تاریکی) بنابر احتیاط واجب، نباید به او نگاه کند 3-

(26). اگر انسان در چیزی شک کند که انسان است مثلاً یا حیوان یا چیز دیگر، نگاه کردن جایز نیست 4-

نگاه به عکس:

نگاه به عکس نا محرم : نگاه کردن به تصویر زن نا محرم، حکم نگاه کردن به خود زن نا محرم را ندارد؛ بنا براین اگر نگاه از روی لذت نبوده و خوف افتادن به گناه نباشد و تصویر هم متعلق به زن مسلمانی که بیننده ی آن را می شناسد نباشد، اشکال ندارد (27).

نگاه با خوف به عکس:

اگر نگاه کردن به تصاویر، به قصد ریه باشد یا انسان بداند که منجر به تحریک شهوت او می شود یا خوف ارتکاب (28). گناه و مفسده باشد ، در این صورت نگاه کردن به آنها حرام است

نگاه به عکس های مبتذل :

نگاه های حرام عبارتند از:

نگاه به چهره آرایش کرده زن. نگاه به زیور آلات زن. نگاه به عکس بی حجاب زن آشنا. نگاه با ریه (ترس افتادن به حرام). نگاه به بدن مرد نامحرم (به جز صورت و دست ها)، البته در این مسئله بین مراجع اختلاف نظر وجود دارد. نگاه به تمام بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست ها تا مچ).

[نگاه هوس آلود (هرچند به صورت و دست ها و یا به بدن هم جنس)].5

نوحه به استغفای زیر در روشن تر شدن مطلب به ما کمک می کند

شخصی قصد ازدواج دارد، آیا می تواند بدون قصد لذت به چهره و موی خانم ها (مثلاً در خیابان) نگاه کند، تا یکی را بپسندد و بعد از او :س1 خواستگاری کند؟

[همه مراجع: این نوع نگاه ها جایز نیست. 6: ج

ا تأمل در استفتاء فوق در می یابیم، زمانی که با قصد ازدواج و حتی بدون قصد لذت نگاه کردن به چهره و موی خانم ها و نیز نگاه به برجستگی های بدن زن نامحرم از روی لباس و مانتو جایز نیست. نگاه هوس آلود و با قصد لذت جنسی به مواضع ممنوع و حتی جایز نامحرم، به طریق اولی حرام خواهد بود

معنای ریه و مفسده در حکم نگاه به نامحرم کلمه "ریه" از ریشه "رب" به معنای شک و گمان است. بعضی آن را به معنای اضطراب و تزلزل [قلب معنا کرده اند که از آثار شک است. در کتاب های فقهی به معنای ترس از واقع شدن در حرام می باشد. 7]

تلاذ یعنی لذت بردن، و نگاه از روی تلاذ یعنی نگاه به قصد لذت بردن. اما ریه یعنی خصوصیت نگاه کننده و نگاه شده مجموعاً طوری است که خطرناک است و ترس است که لغزشی به دنبال نگاه کردن به وجود آید؛ به این جهت در دین مقدس اسلام در ارتباط با معاشرت زن و مرد برای حفظ خانواده و اجتماع دستوراتی آمده است که ما به عنوان یک مسلمان ملزم به رعایت آن هستیم

نظر مراجع محترم تقلید در به اره نگاه کردن به فیلم‌های مبتذل این است

همه مراجع (به جز آیت ا... تبریزی و آیت ا... سیستانی)؛ باتوجه به این که دیدن این گونه فیلم‌ها به طور معمول شهوت برانگیز و مقدمه ارتکاب گناه می‌باشد نگاه به آن‌ها حرام است، اجوبه استفتاءات، س 1187، جامع الاحکام، ج 2، س 1717 و 1605 (sistani.org). آیت ا... سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه نیز باشد، بنا بر احتیاط واجب، نگاه به زنان جایز نیست

نگاه کردن به تصاویر مبتذل، حکم نگاه کردن به نامحرم را ندارد و در صورتی که از روی شهوت و ریه نباشد و مفسده ای هم بر آن مترتب نشود، شرعاً اشکال ندارد ولی با توجه به اینکه دیدن تصویر برهنه ای که شهوت برانگیز است، غالباً (29) از روی شهوت بوده و به همین دلیل مقدمه ی ارتکاب گناه می باشد، بنا بر این دیدن آن حرام است

نگاه به عکس بچه ها

نگاه کردن به عکس بچه ها چه دختر چه پسر، اگر بدون قصد لذت باشد و انسان نترسد به گناه آلوده شود، اشکالی ندارد (30)

نگاه به عکس مرد

زنان می توانند به عکس مردان نگاه کنند، مشروط به آنکه به قصد لذت و ریه نباشد؛ خواه مرد را بشناسد یا نشناسد، خواه (31) مرد محرم باشد یا نا محرم

نگاه به فیلم

نگاه کردن به فیلم ها، حکم نگاه کردن به نامحرم را ندارد و در صورتی که از روی شهوت و ریه نباشد و مفسده ای هم بر (32) آن مترتب نشود، شرعاً اشکال ندارد

نگاه زنان به مسابقات ورزشی: اگر مشاهده ی آن با حضور در میدان و به طور مستقیم باشد و یا آن را به طور زنده و مستقیم از تلویزیون ببیند و یا به قصد لذت و ریه بوده و یا در آن خوف ارتکاب گناه یا فساد وجود داشته باشد، جایز نیست (33). و در غیر این صورت، اشکال ندارد

نگاه به میت

حکم نگاه کردن به میت، همان حکم انسان زنده است؛ در نتیجه مرد نمی تواند به بدن زن نا محرم میت نگاه کند و همچنین (34) زن نیز به بدن مرد نا محرم میت، نمی تواند نگاه کند

نگاه برای معالجه

اگر مرد برای معالجه ی زن نامحرم، ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه (35) کردن بتواند معالجه کند، نباید به او دست بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند، نباید او را نگاه کند

اگر انسان برای معالجه ی کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند، بنا بر احتیاط واجب باید آئینه را در مقابل گذاشته و در (36) آن نگاه کند ولی اگر چاره ای جز نگاه کردن به عورت نباشد، اشکالی ندارد

نگاه مرد به زنی که قرار است با او ازدواج کند

نگاه مرد به صورت زنی که می خواهد با او ازدواج کند ، جایز است به شرط آنکه : بداند مانع شرعی از ازدواج با او نیست و احتمال هم بدهد که زن ازدواج را قبول می کند و احتمال بدهد که با این نگاه اطلاع تازه ای پیدا می کند و با این شرایط ، نگاه کردن فقط برای این مرد جایز است ، اگر چه چند مرتبه باشد ، بلکه چنین نگاه کردنی برای جلوگیری از نزاع بعد از عقد ، مستحب نیز هست و اجازه ی زن هم در آن لازم نیست و بنا بر اظهار نگاه کردن به مو و محاسن دیگر آن زن هم با همین شرایط جایز است و وجهی دارد که زن هم بتواند به مردی که می خواهد با او ازدواج کند با شرایطی که

(37). گفته شد نگاه کند

(.امام علی (علیه السلام) « العین رائد الفتن » (چشم ، جلودار فتنه ها و گناهان است
(.امام علی (علیه السلام) « العیون طالع القلوب » (چشم ها، پیش قراولان دلند
(.امام علی (علیه السلام) « العین برید القلب » (چشم، قاصد دل است
(.امام علی (علیه السلام) « اللحظ رائد الفتن » (نگاه، بلد راه فتنه ها و گناهان است
امام علی (علیه السلام) « العین جاسوس القلب و برید العقل » (چشم، جاسوس دل و قاصد
(.خرد است
(.امام علی (علیه السلام) « لحظ الانسان رائد قلبه » (نگاه انسان، بلد دل اوست
(.امام علی (علیه السلام) « القلب مصحف البصر » (دل، کتاب دیده است
(امام علی (علیه السلام) « العیون مصائد الشیطان » (چشم ها ، دام های شیطان اند.) (41)
امام رضا (علیه السلام) : فلسفه حرمت نگاه حرام به زنان را چنین بیان می کنند : « این کار،
(مردان را تهییج و در اثرآن به فساد روی می آورند.» (42)

پی نوشت ها

سوره نور، آیه 30.

سوره نور، آیه 31.

میزان الحکمه، جلد13، صفحه 6319، حدیث 20269.

تفسیر نور، ج8، ص174 تا 176.

تفسیر آسان، ج14، ص70.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره)، مسأله 1938.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1938.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره)، مسأله 1940.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1939.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1931.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1935.

ر.ک حکم کلی 15.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1943.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1938.

رساله توضیح المسائل امام خمینی (ره) ، مسأله 2440.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1940.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1939.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1933.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1933.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1938.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1938.

رساله توضیح المسائل آیت الله بهجت (ره) ، مسأله 1938.

- احكام روابط زن و مرد ، صفحه 52 و 53 ، مسأله 49 تا 52. 26.
- اجوبه الاستفتائات آيت الله خامنه اي (حفظه الله) ، مسأله 1183. 27.
- اجوبه الاستفتائات آيت الله خامنه اي (حفظه الله) ، مسأله 1193. 28.
- اجوبه الاستفتائات آيت الله خامنه اي (حفظه الله) ، مسأله 1188. 29.
- احكام روابط زن و مرد ، مسأله 56. 30.
- احكام روابط زن و مرد ، مسأله 62. 31.
- اجوبه الاستفتائات آيت الله خامنه اي (حفظه الله) ، مسأله 1188. 32.
- اجوبه الاستفتائات آيت الله خامنه اي (حفظه الله) ، مسأله 1190. 33.
- احكام روابط زن و مرد ، مسأله 66. 34.
- رساله توضيح المسائل امام خميني (ره) ، مسأله 2448. 35.
- رساله توضيح المسائل امام خميني (ره) ، مسأله 2449. 36.
- رساله توضيح المسائل آيت الله بهجت (ره) ، مسأله 1944. 37.
- مسئله حجاب (شهيد مطهری)، ص 214. 38.
- مسئله حجاب (شهيد مطهری)، ص 113. 39.
- قرآن كريم، سوره ق ، آيه 30. 40.
- ميزان الحكمه، جلد 13، ص 6314، حديث 20237 الى 20244. 41.

گناهان زبان

قرآن کریم می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً »⁽¹⁾.

ای مؤمنین! تقوا پیشه کنید و سخن استوار و درست بگوئید.

در روایت است:

«هر موقع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خواستند سخنرانی کنند در ابتدای سخنرانی این آیه را تلاوت می‌فرمود»⁽²⁾.

سخن سدید

سخن سدید و استوار چه گونه سخنی است؟

سخنی است که در آن دروغ، غیبت، سخن چینی نباشد. در آن تمسخر و تحقیر و ناسزا نباشد. براساس گمان و شک نباشد. کشف اسرار مردم نباشد. حمایت از کفار و منافقین نباشد. و...

انسان با زبانش می‌تواند بهترین سخنهارا بگوید و با زبانش ایجاد محبت و صمیمیت کند. افرادی را هدایت نماید. علم بیاموزد. نصیحت کند. با خدا راز و نیاز نماید و دهها کار مفید انجام دهد.

ومی‌تواند با زبانش به کارهای زشت سفارش کند. ایجاد دشمنی نماید. اسرار دیگران را فاش کند. به دیگران ناسزا و دشنام بگوید و دهها گناه انجام دهد.

حق زبان

اما حق زبانت بر تو آنست که از فحشا و منکرات دورش نگهداری و به گفتن کلمات خوب و نافع عادتش دهی و وادارش کنی که با ادب و خوب سخن گوید و از زیاد گفتن و بیخود چرخیدن در دهان منعش نمائی تا سکوت را رعایت کند مگر در جائی که نیاز به تکلم باشد و نفعی برای دنیا و آخرت داشته باشد و نگزاری سخنی که فائده و نفعی ندارد و جز ضرر و زیان حاصلی در آن متصور نیست؛ از دهان تو خارج شود بعد از آنکه عقل و نقل بر مضر بودن و بد بودن آن دلالت دارد؛ زیرا که زینت عاقل به عقلش در خوبی گفتار و درست سخن گفتن است و حول و قوه ای نیست مگر به حول و قوه خداوند بزرگ. ❖❖❖

متن عربی: ❖❖❖❖❖❖

و اما حق اللسان فاکرامه عن الخنی و تعویده علی الخیر و حملة علی الادب و اجمامه إلا لموضع الحاجة و المنفعة للدين و الدنيا و اعفائه عن الفضول الشنعة القليلة الفائدة التي لا يؤمن ضررها مع قلة عائدتها و بعد شاهد العقل و الدلیل علیه و تزین العاقل بعقله حسن سيرته فی لسانه و لا قوة الا بالله العلی العظيم . ✨️✨️✨️

برگرفته از کتاب رساله حقوق امام سجاد علیه اسلام ﷺ

گناهان زبان زیاد است ولی ما به چندتای آن که بین مردم متداول است اشاره می کنیم.

1. سوره احزاب، آیه 70.

2. المیزان ذیل آیه مذکور

غیت

آیات و روایات این گناه کبیره را بسیار مذمت نموده است. از جمله فرموده است:

وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ⁽¹⁾

نباید غیت همدیگر را بکنید آیا دوست دارید گوشت برادر مرده خود را در حالی که بدتان می آید بخورید؟

وقوله تعالی: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»⁽²⁾

آنان که در بین مؤمنین فساد اشاعه می دهند عذاب دردناک برایشان مهیاست!

که خداوند عذاب دردناک را، برای اشاعه دهنده گناه در بین مؤمنین ذکر کرده است. که یکی از موارد اشاعه گناه، غیت مؤمنین است.

و آیه: وِيلَ لِكُلِّ هَمْزَةٍ لَمْزَةٍ

یعنی وای بر هر مسخره کننده هرزه زبان!

که یکی از مصادیق آیه افراد غیت کننده است.

غیت یعنی انسان پشت سر دیگران صحبتی بکند بطوری که اگر خودش بود ناراحت می شد. خواه این صحبت درباره خصوصیات بد اخلاقی او باشد یا درباره عیوب جسمانی اش باشد یا در مورد خانواده و دوستان و فامیلش باشد.

روایات زیادی است از جمله:

پیامبر خدا ص فرمود:

غیبت از زنا بزرگتر است⁽³⁾

بعد پیامبر علت آن را چنین دانسته که اگر کسی نعوذا بالله زنا کرد با توبه پاک می شود ولی در غیبت تا غیبت شده راضی نشود غیبت کننده بخشیده نمی شود.

باز حضرت در روایت دیگری فرمودند گناه یکدرهم ربامعادل 36 زنا است و گناه غیبت از ربابالائتر است.⁽⁴⁾

1-حجرات 12

2-النور: 19

3-مکاسب محرمة

4-همان

زیرا مسئله آبروی مؤمن در نزد خدا بسیار بزرگ است.

درسختی دیگر فرمودند:

هر که غیبت زن یا مردی را بکند تا چهل شبانه روز نماز و روزه اش قبول نمی شود.⁽¹⁾

درسختی دیگر فرمودند:

هر که غیبت مؤمنی را به عیبی که در او است بکند خدا بین آندو را در بهشت جمع نمی کند و اگر او را به عیبی که در او نیست غیبت کند یعنی به او تهمت هم بزند در این صورت غیبت کننده در جهنم ابدی می ماند.⁽²⁾

یک روایت تکان دهنده ای از پیامبر اسلام ص است که حضرت فرمودند: دروغ گفته کسی که بگوید من حلال زاده ام! آنوقت غیبت مردم را بکند. از غیبت پرهیزید که خورشت سگهای جهنم است.⁽³⁾

درسختی دیگر فرمودند:

هر که حرکت کند تا غیبت مسلمانی را بکند در جهنم قدم برمی دارد اگرچه فعلاً نمی فهماند.⁽⁴⁾

درسختی دیگر فرمودند:

غیبت کننده اگر توبه کند آخرین شخصی است که به بهشت می رود و اگر نکند اولین شخصی است که وارد جهنم میشود.⁽⁵⁾

درسختی دیگر فرمودند:

غیبت بر هر مسلمانی حرام بوده و اعمال خوب را می خورد همانطور که آتش هیزمها را می خورد.⁽⁶⁾

یعنی زحماتی کشیدیم و کارهای خوب انجام دادیم اما بایک غیبت از بین می رود.

درسختی دیگر فرمودند:

روز قیامت شخص را در دادگاه الهی حاضر کرده و نامه عملش را بدستش می دهند می بیند عمل خوب ندارد. اعتراض می کند که خدایا! من کارهای خوب زیاد کردم پس کجا هستند؟ جواب می آید به کسانی که غیبتشان را کردی دادیم!

شخص دیگری را در دادگاه الهی حاضر کرده و نامه عملش را بدستش

1-همان

2-همان

3-همان

4-همان

5-همان

6-گناهان کبیره 261

می دهند می بیند عمل خوب زیاد دارد.اعتراض می کند که خدایا!من این کارهای خوب را نکردم ؟جواب می آید اینها اعمال کسانی است که که غیبت تو را نمودند که ثوابهای آنها را بتو دادیم.

روایت تکان دهنده دیگری است که: نزدیکترین مرحله کفر آنست که باگوش خود کلمه ای را بشنوی و درحافظه بگذاری تا روزی علیه مؤمن استفاده کنی!⁽¹⁾

البته بعضی از جاها غیبت لازم است مثل روشنگری مخصوصا در فتنه های سیاسی و مواردی که نظام اسلامی در خطر است باید ماهیت دشمن افشا شود و برای روشنگری مردم لازم است که چهره سران فتنه در داخل و خارج روشن شود.

باز در روایت است که: امام علی ع فرمود کسی که هرچه از عیبهای مرد باچشم می بیند یا با گوش می شنود نقل می کند و آبروی شخص را می برد جزو کسانی است که خدا درباره او فرموده: «آنان که در بین مؤمنین فساد اشاعه می دهند عذاب دردناک برایشان مهیاست!»⁽²⁾

1- گناهان کبیره 260

2- همان

سخن چینی

«وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»⁽¹⁾

کسانی که اتصال بین مردم را بهم می زنند و در زمین فساد می کنند، لعنت خدا بر آنها باد و سرای آخرت برایشان بد سرائی است.

سخن چینی یعنی حرف دیگران را برای طرف مقابل می برد بصورتی که باعث اختلاف و دشمنی بین افراد می شود.

امام صادق (ع) فرمود: بزرگترین سحر، سخن چینی است که بواسطه آن بین دوستان جدایی می اندازد و بجای صفا و یکرنگی، دشمنی قرار می دهد و بسبب آن گاه خونها ریخته می شود و خانه ها خراب می گردد و حرمت ها ریخته می شود و سخن چین بدترین فرد کره زمین است.⁽²⁾

آقا رسول الله فرمود: در معراج دیدم زنی بود که سرش مانند خوک و بدنش مانند الاغ بود و عذابهای فراوانی براو وجود داشت که کار این زن، سخن چینی بوده است.⁽³⁾

در آیه شریفه «هَمَّازُ مَشَاءَ بِنَمِيمٍ عُتِلَ بَعْدَ ذَلِكَ زَيْمٍ»، شهید ثانی می‌فرماید یعنی کسی که راز دیگران را نگه نمی‌دارد و سخن چینی می‌کند حرامزاده است!⁽⁴⁾

داستانی درباره سخن چینی

گویند شخصی برای خرید غلام به بازار رفت و دید که غلامی در میان بردگان وجود دارد که از جهت هیکل و قیافه خوب است ولی ارزان است! علت ارزانی او را پرسید گفتند این غلام معتاد به سخن چینی است. این شخص غلام را خرید و به خانه‌اش آورد. غلام کارش خوب بود تا اینکه به زن اربابش گفت ارباب تو را دوست ندارد! اگر می‌خواهی بتو علاقه‌مند شود مویی از زیر گلایش در هنگام خواب بچین و بمن بده تا کاری کنم عاشقت شود! از آن طرف نزد ارباب رفته گفت خانم می‌خواهد شمارا بکشد و با دیگری ازدواج کند امشب مواظب باش. وقتی خانم شب آمد تا موی گلوی شوهرش را بکند

1-رعد 25

2-گناهان کبیره 272

3-گناهان کبیره 272

4-همان

شوهر مچش را گرفت و او را کشت! غلام سریع نزد خویشان زن رفت و گفت چه نشسته اید که دختر شمارا کشتند! بعد سریع نزد فامیل ارباب رفت و گفت طایفه زن می خواهند ارباب را بکشند. بر اثر سخن چینی غلام، فامیل های زن و مرد باهم به جنگ پرداختند و عده ای کشته شدند!⁽¹⁾

1- گناهان کبیره 275

ناسزاگوئی و توهین

یکی از گناهان زبان، فحش و ناسزا است. عده ای از انسانها به عادت زشت ناسزاگویی عادت کرده اند. گاهی عادت دارند که به همسر و فرزندان شان ناسزا بگویند. گاهی عادت دارند به زیر دستان خود اهانت کنند. و گاهی پارا فراتر گذاشته و به مقدسات و ارزشهای مردم ناسزا و اهانت می کنند.

ناسزا عبارتست از کلمات توهین آمیز مثلاً او را حیوان خطاب کند. یا به او فاسق و خبیث و کافر و منافق و امثال آن بگوید.

پیامبر خدا ص فرمود چهار نفرند که اهل جهنم از آنها در عذابند از جمله کسی که در دنیا دشنام دهنده بوده است.⁽¹⁾

عوامل ناسزاگویی

1- عادت

2- عصبانیت

3 - شوخی

4 - مقابله به مثل

5 - مسائل سیاسی و حزبی

6 - مسائل اقتصادی

7 - تربیت نادرست

درمان ناسزاگویی

1 - سکوت

اگر انسان سکوت کند و تا ضرورت نشود حرف نزنند از بسیاری از گناهان زبان در امان می ماند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هرگاه دیدید که مؤمن خاموش و باوقار است، به او نزدیک شوید که او به حکمت دست پیدا کرده است»⁽²⁾.

2 - تربیت صحیح از دوران کودکی

والدین باید مواظبت کنند که خود ناسزا نگویند و فرزندانشان هم ناسزا نگویند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«فرزندان خود را احترام کنید و ادب خوب به آنها بیاموزید.»⁽¹⁾

3- رعایت ادب نسبت به دیگران

زان کس که نام خلق بگفتار زشت کشت دوری گزین که از همه بدنام تراست

دشنام در آئینه احادیث

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که به پدر و مادرش دشنام دهد، ملعون است! پرسیدند که مگر کسی به پدر و مادرش دشنام می دهد؟ فرمود: شخصی به پدر دیگران فحش می دهد، آنها هم به پدر و مادر او فحش می دهند.»⁽²⁾

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«فحش دادن به مؤمن مثل نزدیک شدن به مرگ است.»⁽³⁾

امام علی علیه السلام فرمود:

«از کلام زشت و ناروا دوری کنید که باعث می شود که پستان ورذلان بشما نزدیک شده و افراد بزرگوار از شما بگریزند.»⁽⁴⁾

امام صادق علیه السلام شنید که مسلمانی به غلامش فحش داد. به این خاطر امام با او قطع رابطه کردند.⁽⁵⁾

امام صادق علیه السلام فرمود:

«فحش دادن ظلم است و ظالم در آتش جهنم است.»⁽⁶⁾

انواع فحش

1 - ناسزا به ناموس.

2 - خطاب کردن به اسم حیوان.

3 - به وسیله کاریکاتور و نقاشی اهانت کردن.

4 - با اشاره توهین کردن و ...

با کس مکن ای برادر من

هر بد به خود نمی‌پسندی

دشنام مده به مادر من

گر مادر خویش دوست داری

1. مکارم الاخلاق/223

2. میزان الحکمه - فتح القدیر 151/2

3. میزان الحکمه .

4. میزان الحکمه .

5. میزان الحکمه .

6. میزان الحکمه 2377/3

تهمت

اتهام خلاف به دیگران زدن حرام است مخصوصاً تهمت اگر جنسی باشد مثلاً تهمت زنا یا لواط بزنند.

«إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (23) يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ⁽¹⁾

آنان که به زنان مؤمنه پاکدامن بی خبر از گناه، تهمت می زنند در دنیا و آخرت ملعون و برای آنان عذاب دردناکی است روزی که دست و پا و زبانشان علیه آنها در مورد کارهایشان شهادت می دهند.

آقا رسول الله (ص) فرمود: هر که به مرد یا زن پاکدامن تهمت زنا بزند همه کارهای خویش از بین می رود و در قیامت در حالی که هفتاد هزار فرشته از جلو و پشت سر او را شلاق می زنند وارد دوزخ می شود.⁽²⁾

نباید به مردان و زنان مؤمن تهمت بزنیم والا مصداق اشاعه کنندگان فحشاء محسوب می شویم.

حتی در اسلام اجازه تهمت به کفار را نداده اند. که در روایت است یکی از یاران امام صادق (ع) به غلامش که کافر بود گفت ای پسر زن زنا کار! حضرت ناراحت شد و به او اعتراض کرد. او جواب داد مادرش کافر است. حضرت فرمود هر ملتی که طبق رسم خود ازدواج کند فرزندانشان حلال زاده هستند و کفار هم اگر طبق سنتشان زدواج کنند فرزندانشان حلال زاده هستند. از من دور شو! او را از خود راندند.⁽³⁾

در روایت است که کسی که به یک فرد مسلمان تهمت بزند ایمانش از بین می رود مانند حل شدن نمک در آب!⁽⁴⁾

2- وسائل، کتاب حدود

3- کافی باب البذاء

4- گناهان کبیره 352

عیب جویی

یکی از گناهان کبیره، عیجیوئی است. یعنی انسان کنجکاو باشد که نقاط ضعف و خلافت‌های دیگران را پیدا کند و کشف کند تا در نزد دیگران بازگو کند.

اگر فقط بدمبال پیدا کردن عیب دیگران باشد گناه عیجیوئی برایش نوشته می‌شود و اگر علاوه بر آن، این مطلب را برای دیگران نقل کند گناه غیبت هم به آن اضافه می‌شود.

اینهائی که عادت به تجسس در عیبهای مردم و بازگو کردن این عیبهای دیگران دارند، اگر نسبت به عیبهای خود تأمل کنند، متوجه می‌شوند که خود دارای عیوب متعدد بوده و باید خود را مداوا کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«به دنبال لغزشهای مؤمنین نباشید که هر که به دنبال این مطلب باشد، خداوند سبحان عیبهای او را آشکار کند»⁽¹⁾

مرد باید که عیب خود بیند

بر ره زور و غیبه ننشیند

تو اگر عیب خود همی دانی

نه ای عامی بل جهان‌بانی⁽²⁾

یکی از صفات خداوند سبحان ستار العیوب بودن است و ما که بنده اویم باید از خالق بیاموزیم و عیب دیگران را بپوشیم و ظاهر نکنیم.

حضرت عیسیٰ علیه السلام وقتی دید که حواریون از بوی متعفن مرداری سخن می‌گویند فرمود:
«چه دندانهای سفیدی دارد!»⁽³⁾

وبا این سخن فهماندند که فقط عیوب افراد را نبینید و خوبیهای او را هم نگاه کنید. » .

عیبجوئی مکن ز خلق خدا	که بود کارمردم جاهل
عیب خود بین چومرد روشن بین	تا شود تیرگی ز دل زائل
ای که غفلت فرا گرفته تورا	گوش کن پندناصح کامل
گفت احمد خوشا بحال کسی	که چومردان پاک و روشندل
هست دائم به عیب خود مشغول	لیکن از عیب دیگران غافل

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«از عیب جویان دوری کنید که دوستانشان هم از آنها در امان

1. میزان الحکمه .

2. سنائی .

3. کشف الریبه 11

نیستند .⁽¹⁾

پوشاندن عیوب دیگران

انسانهای کریم و بزرگوار اگر از عیوب دیگران هم مطلع شوند، آن را نادیده گیرند و وظیفه خود دانند که عیبهای دیگران را بپوشند و آبروی دیگران را حفظ کنند .

خداوند سبحان در قرآن کریم در سوره حجرات دستور داده که:

« وَلَا تَجَسَّسُوا »⁽²⁾.

یعنی در جستجوی عیب دیگران نباشید .

چو عیب تن خویش داند کسی ز عیب کسان برنگوید بسی⁽³⁾

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«در عیب رفیقت تعجیل نکن شاید خدا او را بیامرزد و بر عیب های خود ایمن نباش شاید به خاطر آن عذاب شوی»⁽⁴⁾.

مکن عیب کسان تا می توانی که توای دوست عیب خودندانی

مده بر عیب کس نادیده اقرار و گریینی پوشان بهترای یار

که توهم عیب داری عیناکی خدا را شد سزای عیب پاکی

مکن مدح خود و عیب دگر کس و گر گوید کسی گو زین سخن بس !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«بعضی از شما خار را در چشم دیگران می بیند ولی استخوان را در چشم خودش نمی بیند!»⁽⁵⁾.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر که عیب برادرش را بپوشاند، گویا دختر زنده بگوری را زنده کرده است!»⁽⁶⁾.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که عیب برادرش را ببیند ولی آنرا بپوشاند، خدا در قیامت عیش را بپوشاند»⁽⁷⁾.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«به دنبال عیوب مؤمنین نباشید که هر که این گونه باشد، خدا به دنبال عیش باشد و هر که خدا به دنبال عیش باشد، رسوا می شود اگرچه در

1. میزان الحکمة .

2. سوره حجرات، آیه 12 .

3. فردوسی .

4. میزان الحکمة 3/3208

5. میزان الحکمة 3/2205

6. میزان الحکمة 3/2207

7. میزان الحکمة 3/2207

دل خانه اش باشد!»⁽¹⁾.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«کسی که از عیب خود مطلع نباشد، ازبزرگترین گناهان است.»

1. میزان الحکمه 390/1

دروغ گویی

زشتی دروغ گویی در قرآن و حدیث

قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»⁽¹⁾.

بدرستی که خدا هدایت نمی کند کسی که اسراف کننده و بسیار دروغگو است .

دروغ گفتن چون خلاف طینت پاک آدمی است و باعث انحراف به سوی بدیها می شود بسیار مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است.

در روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ فَجْوَرٌ يَهْدِي إِلَى النَّارِ»⁽²⁾.

بر حذر باشید از دروغ زیرا گناهی است که انسان را به آتش جهنم می کشاند .

قرآن کریم می فرماید:

«وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»⁽³⁾.

بدرستی که خدا شهادت می دهد که منافقین دروغگویند .

انواع دروغ

انواع دروغ به شرح زیر است:

1 - دروغ بر خداوند، پیامبر و امامان:

دروغ بر خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام که در راس دروغ ها قرار دارد وزشتی آن از همه بیشتر است و این نوع دروغ، روزه را باطل می کند.

قرآن کریم در این باره فرمود:

« وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِباً »⁽⁴⁾.

چه کسی ظالم تر است از کسی که بر خدا از روی دروغ افترا می بندد .

2 - شهادت دروغ:

پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

1 . سوره غافر، آیه 28.

2 . وسائل 250/12

3 . سوره حشر، آیه 11 .

4 . سوره انعام، آیه 21.

«شاهد الزور كعابد الوثن»⁽¹⁾.

کسی که شهادت دروغ بدهد، مثل عبادت کننده بت است .

امام صادق (ع) فرمود: کسی که شهادت دروغ بدهد هنوز از جایش حرکت نکرده برایش آتش دوزخ واجب می شود.⁽²⁾

3 - قسم دروغ :

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«چند دسته هستند که روز قیامت، خدا با آنان سخن نمی گوید از جمله آنها کسی که سوگند دروغ برای فروش کالا یش می خورد»⁽³⁾.

حواریون از حضرت عیسی ع درخواست نصیحت کردند. فرمود موسی ع گفته است که قسم دروغ نخورید ولی من به شما امر می کنم که نه قسم دروغ بخورید و نه قسم راست بخورید.⁽⁴⁾

امام صادق (ع) فرمود: کسیکه عالمانه قسم دروغ بخورد آشکارا با خدا جنگیده است.⁽⁵⁾

4 - دروغ در وعده:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليَفِ وعده»⁽⁶⁾.

کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده اش وفا کند .

5 - شوخی های دروغ :

امام حسین علیه السلام فرمود:

«اتقوا الكذب الصغير منه والكبير في كل جدّ وهزل».

پرهیزید از دروغ چه بزرگ آن چه کوچک آن در هر شوخی که باشد.⁽⁷⁾

نقل کردن و نوشتن و گوش دادن به دروغ که منشاء بسیاری از شایعات همین نقل نمودن دروغ است

.

6 - خواب و رؤیاهای دروغ :

بعضی از افراد خوابهایی که ندیده‌اند را نقل می‌کنند که این نوع دروغ هم بسیار مذمت شده است.

آقا رسول الله (ص) فرمود: بزرگترین دروغها سه نوع دروغ است. دروغ

1 . جامع السعادات 255/2

2- کافی باب الایمان

3 . جامع السعادات 255/2

4 . کافی 434/7

5- کافی کتاب الایمان

6 .

7 . وسائل 250/12

بستن به من به اینکه چیزی را که من نگفتم را به من نسبت دهد. دومی دروغ در خواب ورؤیا که چیزی را که ندیده نقل کند. سوم فردی را به غیر پدرش نسبت دهند.⁽¹⁾

7 - گوش دادن به دروغ :

همانطور که دروغ گفتن حرام است، ثبت و نوشتن و خواندن و گوش دادن دروغ بصورت آگاهانه حرام است.

شرمندگی دروغگو لاف زن

گویند: شخصی قبل از ظهر هر روز کنار درخانه خود فرش پهن کرده و می نشست و قلیان می کشید . بعضی از اهل محل نیز به نزد او آمده و با او می نشستند و بخوردن چای و قهوه مشغول می شدند .

آن مرد یکی از روزها در حالی که دست بر سیل خود می کشید گفت: دیشب جای شماها خالی بود . عیالم برای ما ته چین پلو پخته بود آنقدر این غذا چرب بود که نتوانستم همه اش را بخورم لذا قدری را گذاشتم برای امروز صبح به عنوان صبحانه خوردم آنقدر این غذا چرب بود که سیل ما را چرب کرده است!

در این میان یکی از بچه های کوچک او دویده و گفت: آقا جان، آقا جان ! آن دُنبه ای که امروز صبح سیلت را با آن چرب کردی گربه آمد و آنرا برد !!

آثار زشت دروغ

1 - سرچشمه نفاق است .

2 - اساس ایمان را خراب می کند.

امام پنجم علیه السلام فرمود:

«انّ الكذب هو خراب الايمان»⁽²⁾.

دروغ یعنی نابود کردن ایمان است .

3 - دروغ انسان را به کفر می کشاند .

4 - دروغ باعث بی اعتباری دروغگو است .

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«من عرف بالكذب قلّت الثقة به»⁽³⁾.

کسی که معروف به دروغ گویی شود اطمینان به او کم می شود .

1-بحار 42/15

2. الکافی 339/2

3. غررالحکم 220

ریشه های دروغ گویی

1 - احساس حقارت و خود کم بینی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لا یکذب الکاذب الا من مهانة نفسه»⁽¹⁾.

دروغگو، دروغ نمی گوید مگر به خاطر آن که در خود احساس پستی می نماید .

2 - ترس از جریمه و مجازات .

3 - دورویی و نفاق

قرآن کریم می فرماید:

« وَاللّٰهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ »⁽²⁾.

بدرستی که خدا شهادت می دهد که منافقین دروغگویند .

4 - فشار زیاد از طرف پدر و مادر به فرزند و از طرف رؤسا و فرماندهان به زیر دستان .

5 - دروغ پدر و مادر و مربیان باعث عادت کودک به دروغ می شود .

6 - شوخی دروغ برای خوشحال کردن دیگران .

امام پنجم علیه السلام درباره دروغ فرمود:

«خداوند سبحان برای کارهای بد، قفلهایی قرار داده که کلید آن قفلها دروغ است و دروغ گفتن از شراب خوردن بدتر است»⁽³⁾.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند:

«اقل الناس مروءة من كان كاذبا»⁽⁴⁾.

کم مروت ترین مردم کسی است که دروغگو باشد .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با سوگند دروغ می فرماید:

«کسی که به خدا قسم می خورد اگر به اندازه پرپشه ای در آن دروغ وارد کند نقطه سیاهی در قلبش پیدا می شود که تا روز قیامت می ماند»⁽⁵⁾.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر گاه مؤمن بی عذر دروغ گوید هفتاد هزار فرشته به او لعنت نمایند و چون از قبر در آید بدبو بود و بوی او به عرش رسد و حاملان عرش او را لعنت کنند»⁽⁶⁾.

1. مستدرک الوسائل 84/9

2. سوره حشر، آیه 11.

3. الکافی 339/2

4. مستدرک الوسائل 87/9

5. بحار 263/69

6. جامع الاخبار 148

حضرت عیسی علیه السلام فرمود:

«کسی که دروغش زیاد شد نورش می رود»⁽¹⁾.

امام ششم علیه السلام فرمود:

«بدرستی که دروغگو دروغ می گوید و به خاطر آن خداوند سبحان او را از نماز شب محروم می کند و هر گاه از نماز شب محروم شد رزق حلال بر او حرام می شود»⁽²⁾.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«راست گفتن، امانت و دروغ گفتن، خیانت است»⁽³⁾.

شاعر گوید:

چه از شرک بگذشت کمتر گناه	میان کبایر دروغ است آه
مگردان زبانت بگرد دروغ	که باشد رخت درد و گیتی سیاه

1. الکافی 341/2

2. علل الشرایع 362/2

3. الخصال 505/2

مسخره کردن

نکوهش مسخره کردن در قرآن و حدیث

قرآن کریم می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ »⁽¹⁾

ای مؤمنان! نباید گروهی از شما گروهی دیگر را مسخره کند، بسا که اینان بهتر از آنان باشند و نیز نباید زنانی زنان دیگر را مسخره نمایند، بسا اینها بهتر از آنان باشند و از یکدیگر عیب مجوید و به همدیگر لقب‌های ناپسند ندهید، بسیار بد است که پس از ایمان نام‌های کفرآمیز بگذارید و کسانی که توبه نکرده‌اند خود ستمکارند.

در این آیه به بعضی از بیماریهای روحی که بعضی دچارند و باعث اختلال در جامعه مسلمین و ایجاد دشمنی بین مسلمانان می‌شود اشاره کرده است .

بیماری مسخره کردن دیگران، خطاب کردن دیگران به نامهای زشت.

بسیاری از دشمنی‌هایی که بین افراد ایجاد می‌شود به دلیل گناهان فوق است . وقتی شخصی یا گروهی را مسخره کردند باعث عکس العمل طرف مقابل می‌شود . اگر دیگران رابه نامهای زشت، صدا زدند باعث ناراحتی افراد و ایجاد دشمنی می‌شود . اگر به کارهای دیگران با عینک تیره بدگمانی نگاه کنند، دشمنانشان فراوان و دوستانشان کم می‌شوند . و اگر به دنبال بردن آبروی دیگران از راه غیبت و فاش کردن عیوب آنها باشند، برادری و صمیمیت و مهربانی رخت بر بسته و جای آن، نفاق و دشمنی و تفرقه حاصل می‌شود .

1 . سوره حجرات، آیه 11 .

مسخره کردن دیگران

از گناهان زبان، مسخره و استهزاء دیگران است .

مسخره کردن از این جهت ناپسند است که باعث توهین به دیگران می‌شود .

ریشه‌های مسخرگی

1 - دشمنی و کینه

2 - تکبر

3 - تحقیر کردن

4 - شوخی و مزاح

5 - سفاهت و نادانی

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«مسخرگی، تفریح سفیهان و کار نادانان است»⁽¹⁾.

6 - حقارت نفس و خودکم بینی

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«ذلیل‌ترین مردم شخصی است که به مردم توهین می‌نماید»⁽²⁾.

گاهی مسخره کردن در مورد مسایل اعتقادی است . همان‌طور که عده‌ای از اقوام گذشته، پیامبران خدا را مسخره می‌کردند .

گاهی مسخره کردن در مورد مسایل مالی است . مانند مسخره کردن بعضی از مردان و زنان پولدار، فقیران و افراد بی‌بضاعت را

و گاهی افراد بی‌دین، نمازگزاران را مسخره می‌کنند که در آخر سوره مطففین به این مسئله اشاره کرده و فرموده است :

«إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ»²⁹ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ»³⁰ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ»³¹ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ»³² وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ»³³ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ»

در قیامت مؤمنین این افراد بی نماز را مسخره خواهند کرد .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«کسی که مؤمنی را ذلیل کند و یا به خاطر فقرش او را تحقیر نماید،

1. نهج البلاغه

2. معانی الاخبار/196

خداوند سبحان او را در کنار پل جهنم رسوا می سازد»⁽¹⁾.

1. مسند امام رضا علیه السلام 261/1

اذیت کردن مؤمن با زبان و سخن

«وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»⁽¹⁾ «58»

افرادی که زنها و مردهای مؤمن را بناحق اذیت می کنند مستحق عذاب بهتان و مجازات ظاهر و نمایان هستند.

مؤمن آنقدر نزد خدا مقام دارد که هر که او را خوشحال کند خدا را خوشحال کرده و هر که او را اذیت کند خدا را به غضب در آورده است لذا آقا امام صادق (ع) فرمود: خداوند فرموده است اعلام جنگ با من کرده کسی که بنده مؤمن مرا اذیت کند و از خشمم آسوده باشد کسی که بنده مؤمن مرا اکرام کند.⁽²⁾

یکی از راههای اذیت کردن مؤمن این است که با زبان به او نیش و کنایه بزنند و او را ناراحت کنند.

آقا رسول الله (ص) فرمود هر که مؤمنی را ناراحت کند. بعد از آن اگر همه دنیا را به او بدهد نمی تواند جبران شکستن دل او را بکند.⁽³⁾

و فرمود: هر که مؤمنی را به ناحق اذیت کند گویا مکه و بیت المعمور را ده بار خراب کرده و هزار فرشته مقرب را کشته است.⁽⁴⁾

به پیامبر ص گفتند فلان زن همیشه روزها روزه و شبها را به عبادت می گذراند ولی با زبانش همسایه ها را اذیت می کند. فرمود در او خیری نیست او اهل جهنم است!⁽⁵⁾

همچنین اذیت کردن همسر با زبان از گناهان بزرگ است و گاهی همین گناه باعث می شود شب اول قبر دچار فشار قبر شود.

3-همان

4-مستدرک اب حج باب 135

5-مستدرک باب حج باب 72

سخن بدون عمل

نکوهش سخن بدون عمل در قرآن و حدیث

قرآن کریم می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ »⁽¹⁾.

ای مؤمنین! حرفهایی که به آن عمل نمی کنید نزنید! که خدا از این حرف شما خشمناک می شود.

انطباق قول و عمل

بعضی از مسلمانان قولهایی می دهند و حرفهایی می زنند و در مرحله عمل، درجا زده و بقولشان عمل نمی کنند. مثلاً عده‌ای از مسلمانان در صدر اسلام، می گفتند اگر دوباره جنگی در بگیرد فرار نمی کنیم! ولی در جنگ بعدی باز فرار نمودند.

یا قبل از آمدن حکم جهاد، عده‌ای گفتند اگر بدانیم، بهترین عمل چیست آنرا انجام می دهیم! وقتی حکم جهاد نازل شد و خداوند سبحان فرمود که: بهترین عمل، ایمان خالص و جهاد است، به قولشان عمل نکردند و از شرکت در جهاد شانه خالی نمودند.

و این یک عیب بزرگ برای عده‌ای از افراد است که ادعاهایی کرده ولی اعتمادی به آنها نیست زیرا احتمال عمل نکردن به حرفشان است. در حالی که باید قول و عمل باهم انطباق داشته باشد.

رطب خورده منع رطب کی کند؟

زنی کودکش را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد تا حضرت او را از خوردن خرما که برایش مضر بود، باز دارد ولی پیامبر به روز دیگر محوّل کرد و روز بعد کودک را از خوردن نهی فرمود و گفت: دیروز نگفتم زیرا خود خرما خورده بودم و کسی که خود خرما خورده چگونه می خواهد دیگران را

1. سوره صف، آیات 2-3.

از خوردن آن نهی کند؟

این داستان درباره اهمیت انطباق قول با عمل است .

یا پزشکانی هستند که خود سیگار می کشند ولی بیماران خود را از کشیدن سیگار نهی می نمایند؟

یا واعظانی که مردم را به دوری از دنیا دعوت می کنند ولی خدای نکرده خود یا منسوبین به آنها دنیاطلب هستند .

گویند شخصی کنار جالیز خیاری ایستاده بود و مردم را از خوردن خیار نهی می کرد ولی خود می خورد.

از او پرسیدند: چرا خودت می خوری؟

گفت: من برای خنک بودنش می خورم نه برای حرام بودنش !

اول خودت بخوان

همچنین نقل شده مردی به یک نفر روحانی گفت: زنم نماز نمی خواند !

روحانی گفت: او را به بهشت بشارت بده، شاید بخواند!

گفت: بشارت دادم ولی نمی‌خواند.

روحانی گفت: او را از جهنم بترسان!

گفت: ترساندم ولی نمی‌خواند.

روحانی گفت: حرفش چیست؟

گفت: می‌گویند اول خودت بخوان تا من هم بخوانم!

روحانی گفت: راست می‌گویند!.

عمل نکردن به نذرهای نیز مصداق آیه مذکور می‌باشد.

عالم بی عمل

در روایات، عالم بدون عمل به درخت بدون فایده و میوه تشبیه شده است. و معمولاً مردم از آدمی که به حرفش عمل نمی‌کند بدشان می‌آید.

پس آدمی که سر حرفش نمی‌ماند و به سخنی که می‌گوید عمل نمی‌کند، هم مبعوض خالق است و هم مبعوض مخلوق.

مراد از عمل کردن به سخن، سخن درستی است که می‌گویند نه سخنان نادرست و بی پایه که اصلاً نباید به آنها عمل کند.

فاش کردن سرّ

نکوهش افشای سرّ در قرآن و حدیث

قرآن کریم می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ »⁽¹⁾.

«ای مؤمنین! به خدا و رسول و پیمانهایتان خیانت ننمائید!»

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«کسی که اسرار ما را فاش کند، گویا ما را به قتل رسانده است»⁽²⁾.

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه «پیامبران را به ناحق می‌کشند» فرمود:

«بخدا سوگند! پیامبران را با شمشیر نکشتند، بلکه اسرار آنان را فاش کردند و آنها کشته شدند.»⁽³⁾

افشای اسرار

از گناهان زبان فاش کردن سرّ است در حالی که حفظ اسرار دیگران از خصوصیات خوب است.

در سخنان بزرگان دین، از اسرار مؤمن به عورت تعبیر شده است. یعنی همان طور که حفظ عورت از نگاه دیگران واجب و لازم است، حفظ اسرار مؤمن نیز لازم می‌باشد.

انواع اسرار

1- اسرار خانوادگی

2- اسرار نظامی

3- اسرار اقتصادی

4- اسرار علمی

1. سوره انفال، آیه 27.

2. میزان الحکمه - الکافی 371/2

3. میزان الحکمه - البرهان فی تفسیر القرآن 677/1

6- اسرار مذهبی و دینی

7- اسرار فرهنگی

رازها و اسرار نظامی و سیاسی از بقیه مهم تر بوده و گاهی افشاء آنان باعث از بین رفتن جان صدها نفر و شکست حکومتی خواهد شد. لذا در این موارد جرم افشا کننده بسیار بزرگ است.

افشای خبر حمله به دشمن

در یکی از جنگهای صدر اسلام، وقتی که سپاه اسلام برای یورش به مشرکین مکه آماده می شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داده بود تا خبر این حمله محرمانه بماند، یکی از مسلمانان خبر این حمله را به ابوسفیان اطلاع داد.

در این مورد این آیه نازل شد:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ »⁽¹⁾.

«ای مؤمنین! به خدا و رسول و پیمانهایتان خیانت ننمائید!»

حافظین اسرار

وقتی قیس بن مسهر، سفیر امام حسین علیه السلام به نزد مردم کوفه آمد، توسط مأمورین دشمن محاصره شد، نامه امام را پاره کرد و خورد. وقتی او را دستگیر کردند، برای این که اسرار امام را فاش کند، او را شکنجه کردند ولی او لب به سخن نگشود و عاقبت او را به شهادت رساندند.

در دوران قبل از انقلاب وقتی که ساواک افراد انقلابی را دستگیر می کرد عده زیادی از آنها هرگز لب به کشف اسرار مبارزان باز نمی کردند.

در دفاع مقدس نیز وقتی رزمنده‌ای اسیر می شد هرچه به وسیله صدامیان شکنجه می شد حاضر به گفتن اسرار نظامی برای آنان نمی شد. و عده‌ای به خاطر این استقامت، به شهادت رسیدند.

1. سوره انفال، آیه 27.

خوانندگی

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (6) ⁽¹⁾

بعضی از مردم سخن باطلی که باعث انحراف از مسیر الهی بشود را می فروشند و راه الهی را مسخره می کنند برای اینها عذاب خوارکننده است.

یکی از گناهان زبان، غناء است. غناء یعنی خوانندگی حرام.

ملاک و معیار تشخیص خوانندگی حرام از حلال این است که خوانندگی حرام باعث تحریک شهوت می شود. ولی خوانندگی حلال باعث تحریک شهوت و ایجاد مفسده نمی گردد. چه زن خوانندگی کند و چه مرد اگر طوری بخواند یا اشعاری بخواند که باعث تحریک شهوت شود. حتی اگر زن قرآن را طوری بخواند که باعث تحریک شود حرام است.

در آیه شریفه مذکور به فروش سخن باطل اشاره کرد. زیرا می‌بینیم بعضی از افراد برای گوش دادن صدای حرام چقدر پولها خرج می‌کنند. کنسرت فلان خواننده چقدر برای او درآمد دارد! و علاقه‌مندان به این خواننده‌ها برای شنیدن سخن باطل و لغو پولهای زیادی صرف می‌کنند. و این علامت انحراف از مسیر الهی است.

آیه دیگر در این مورد: واجتنبوا قول الزور⁽²⁾

از سخن باطل دوری کنید.

ابابصیر می‌گوید از امام صادق (ع) درباره معنای قول زور پرسیدم. حضرت فرمود مراد غنا است. یعنی نزدیک سخن باطل که غناء است نشوید.⁽³⁾

حضرت صادق ع فرمود: گوش دادن به غناء باعث رویش نفاق در دل می‌شود همانطور که آب باعث رویش سبزه می‌گردد.⁽⁴⁾

امام صادق (ع) فرمود: خانه‌ای که در آن غناء خوانده شود از مصیبت ناگهانی ایمن نیست و دعا در این خانه مستجاب نمی‌گردد و فرشته

1-لقمان 6

2-حج 31

3-کافی، امالی شیخ طوسی، معانی الاخبار

4-کافی

رحمت وارد آن خانه نمی گردد.⁽¹⁾

پیامبر خدا ص فرمود: خواننده غناء، در قیامت درحالی که کور و لال و کر است محشور می شود.⁽²⁾

بنابراین کسی که خدا به او زبان داده نباید با زبانش سخن باطل بگوید بلکه زبان و صدای زیبایش را در کارهای مفید و حلال صرف کند مانند خوانندگانی که بدون اینکه غناء در صدایشان باشد با زیبایی اشعار مفید می خوانند یا قاریانی که صدای زیبایشان را در قرآن کریم استفاده می کنند یا مداحانی که صدای خوب خود را در راه اشاعه فرهنگ اهل بیت استفاده می نمایند.

1- کافی-مستدرک باب 80

2-جامع الاخبار

22K

از حکیمی پرسیدند که چرا استماع تو از نطق تو زیادت است؟ :

گفت: زیرا که مرا دو گوش داده اند و یک زبان ،
یعنی دو چندان که می گویی
...می شنوی

کم گوی و به جز مصلحت خویش مگوی
چیزی که نپرسند ، تو از پیش مگوی

از آغاز دو گوش و یک زبانت دادند
...یعنی که دو بشنو و یکی پیش مگوی

:آیت الله مجتهدی

حرفهایی که فایده ندارد نزن ، خداوند می فرماید : هیچ کلامی از دهان شما بیرون نمی آید ، مگر اینکه نگهبانی آماده است و آن را ثبت و ضبط می کند.

:(امام خمینی (ره

قیامت بعضیها زبانشان آنقدر دراز می شود که اهل محشر از روی زبان آنها راه می روند. اینها کسانی هستند که در دنیا با زبانشان آبروی مردم را می بردند.

✱✱ سال تمرین سکوت 26 ✱✱

آیت الله سید محمد حسینی همدانی صاحب تفسیر «انوار درخشان» می فرمود: « در مدرسه قوام حجره داشتم، مطلع شدم مرحوم آقای قاضی تبریزی در گوشه تنگ مدرسه حجره کوچکی اختیار کرده و من از این کار تعجب کردم، بعد معلوم شد ایشان به علت تنگ بودن منزلشان و نیز کثرت عیال و اولاد، فراغت بال برای تهجد و عبادت و خلوت نداشتند؛ در طول دوران تحصیل در مدرسه قوام، شبی را ندیدم که مرحوم قاضی به آرامش و خواب و استراحت بگذارند و شبی را بدون ناله و گریه به سر بیاورد. در این مدت نزدیکی با مرحوم قاضی، حالات و جریاناتی از ایشان می دیدم که در عمرم جز در مرحوم نائینی و اصفهانی، در شخص دیگری ندیده بودم. او را چنین یافتم که در تمام رفتار و اخلاق اجتماعی و خانوادگی و تحصیلی خود غیر از همه کسانی بود که من از نزدیک در درس آنها و یا در کنار آنان تحصیل می کردم. مخصوصاً او را دائم السکوت و الصمت می یافتم. احياناً از دادن پاسخ نیز طفره می رفت و گاهی احساس می کردم که برای او پاسخ دادن بسیار سخت است تا اینکه تصادفاً به نکته ای برخوردم که بسیار توجه مرا جلب کرد و آن هم این بود که داخل دهان مرحوم قاضی کبود رنگ بود، از استاد پرسیدم علت چیست؟

ایشان مدت‌ها پاسخ نداد بعدها که خیلی اصرار کردم و عرض کردم که به جهت تعلیم می پرسم و قصد دیگری ندارم، باز به من چیزی نفرمود تا اینکه روزی در جلسه خلوتی فرمودند: آقا سید محمد! برای طی مسیر طولانی سیر و سلوک، سختی های فراوانی را باید تحمل کرد و از مطالب زیادی نیز باید گذشت؛ آقا سید محمد! من در آغاز این راه در دوران جوانی برای اینکه جلوی افسار گسیختگی زبانم را بگیرم و توانائی بازداری آن را داشته باشم 26 سال ریگ در دهان گذارده بودم که از صحبت و سخن فرسایی خودداری کنم، اینها «!اثرات آن دوران است

منبع: عطش

:آیت الله جوادی آملی

ملا صدرا می گوید: من می دیدم بعضی ها که حرف می زنند از دهان آنها آتش بیرون می آید

:حضرت علی علیه اسلام

.دوام عبادت، دلیل دست یافتن به خوشبختی است

میزان الحکمه، ج 5، ص 303

: (امام علی) ع

.از زمین خوردن کسی شاد مشو ، که نمی دانی گردش روزگار برای تو چه در آستین دارد ﴿۱۰۲۹۰﴾

غررالحکم، ج 10290 ﴿۱۰۲۹۰﴾

:امیرالمومنین علی علیه السلام

إِحْبِسْ لِسَانَكَ قَبْلَ أَنْ يُطِيلَ حَبْسَكَ وَ يُرْدِيْ نَفْسَكَ فَلَا شَيْءَ أَوْلَى بِطَوْلِ سَجْنٍ مِنْ لِسَانٍ يَعْدِلُ عَنِ الصَّوَابِ وَيَتَسَرَّعُ إِلَى الْجَوَابِ

پیش از آن که زبانت تو را به زندان طولانی و هلاکت درافکند، او را زندانی کن، زیرا هیچ چیز به اندازه زبانی که از جاده صواب منحرف می شود و به جواب دادن می شتابد، سزاوار زندانی شدن دراز مدت نیست

غررالحکم، ج 2، ص 223، ح 2437

﴿۱۰۲۹۰﴾ نابود شدن اعمال بر اثر غیبت

:پیامبر صلی الله علیه و آله

يُؤْتِي بِأَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْفَقَ بَيْنَ بَدَى اللَّهِ وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَلَا يَرَى حَسَنَاتِهِ فَيَقُولُ: إِلَهِي لَيْسَ هَذَا كِتَابِي فَإِنِّي لَا أَرَى فِيهَا طَاعَتِي! فَيَقَالُ لَهُ: إِنَّ رَبَّكَ لَا يَضِلُّ وَ لَا يَنْسَى ذَهَبَ عَمَلِكَ بِاِغْتِيَابِ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْتِي بِأَخَرَ وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَيَرَى فِيهِ طَاعَاتٍ كَثِيرَةً فَيَقُولُ: إِلَهِي مَا هَذَا كِتَابِي فَإِنِّي مَا عَمَلْتُ هَذِهِ الطَّاعَاتِ فَيَقَالُ: لَأَنَّ فُلَانًا اِغْتَابَكَ فَذَفَعْتُ حَسَنَاتُهُ إِلَيْكَ؛



روز قیامت فردی را می آورند و او را در پیشگاه خداوند نگه می دارند و کارنامه اش را به او می دهند، اما حسنات خود را در آن نمی بیند. عرض می کند: الهی! این کارنامه من نیست! زیرا من در آن طاعات خود را نمی بینم! به او گفته می شود: پروردگار تو نه خطا می کند و نه فراموش. عمل تو به سبب غیبت کردن از مردم بر باد رفت. سپس مرد دیگری را می آورند و کارنامه اش را به او می دهند. در آن طاعت بسیاری را مشاهده می کند. عرض می کند: الهی! این کارنامه من نیست! زیرا من این طاعات را بجا نیاورده ام! گفته می شود: فلانی از تو غیبت کرد، حسنات او به تو داده شد.

گناهان شکم

نهی قرآن کریم از استفاده از اموال باطل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ⁽¹⁾

ای مؤمنین! نباید اموال دیگران را از روی ناحق تصرف کرده و استفاده نکنید. بلکه باید معاملاتتان بر مبنای معاملات اسلامی باشد.

مسئله نان حلال در آوردن از مسایل مهم زندگی هر سرپرست خانواده ای است. و عده زیادی از مردم در این مورد راه انحرافی رفته و از راههای خلاف پول در می آورند لذا سعادت‌مند نمی گردند.

امام صادق علیه السلام به مصادف فرمود: ای مصادف! نان حلال در آوردن از شمشیر زدن در راه خدا سخت تر است.⁽²⁾

ضررهای اموال آلوده

وقتی پول کثیف وارد بازار شود: بازار آلوده می‌باشد-اعتماد در معاملات از بین می‌رود.-دوطبقه پولدار و فقیر بوجود می‌آید.-آبروها از بین می‌رود-زندان‌ها پر می‌شود-خانواده‌ها از هم می‌پاشد-پرونده‌های قضائی بیشتر می‌شود-زلزله و قحطی و خشکسالی پدید می‌آید.که در احادیث است که اگر بازار کم فروشی کنند خشکسالی می‌شود.

امام کاظم ع به صفوان شتردار فرمود شما همه کارهای خوب است جز یک کار.چرا شترهایت را به دستگاه حکومت اجاره داده‌ای؟ زیرا دوست داری تا ستمارانی که شترهایت را کرایه کرده‌اند آنقدر زنده بمانند تا پول تو را پرداخت کنند و کسی که بقاء ستمکار را بخواهد جزو آنان است!⁽³⁾

و پولی که از بابت اجاره شترهایش از ستمکاران می گیرد اشکال شرعی دارد.

1. *نساء 29

2. جوانان و گناهان کبیره .

3-وسائل باب تجارت باب 71 ص 548

آقا رسول الله (ص) فرمود: هرگاه شخصی یک لقمه حرام بخورد و جزء بدنش شود تمام ملائکه آسمان و زمین لعنتش می کنند.⁽¹⁾

و فرمود: هر که لقمه حرامی بخورد تا چهل شب نمازش قبول نمی شود و تا چهل روز دعایش مستجاب نمی گردد.⁽²⁾

شخصی به رسول خدا ص عرض کرد می خواهم دعایم مستجاب شود چه کنم؟ فرمود غدایت را حلال و پاکیزه کن و حرام به شکم خودت داخل ننما!⁽³⁾

و خداوند به حضرت عیسی ع فرمود به ستمکاران بنی اسرائیل بگو در حالی که مال حرام در تصرف شماست مرا صدا نزنید که اگر مرا بخوانید من شما را لعنت می کنم.⁽⁴⁾

آقا امام حسین ع به لشکر عمر سعد فرمود: شکمهایتان از حرام پر شده است!⁽⁵⁾

مصادیق اموال باطل

ربا خواری - رشوه خواری - غصب اموال - ارث خواری - کم فروشی - گرانفروشی - احتکار - غش در معامله - قاچاق - خودفروشی - کودکان فروشی - فروش آلات موسیقی و قمار و سی دی مستهجن

وماهواره و غیره-فروش سلاح به دشمن-فروش کتابهای گمراه کننده عقیدتی یا اخلاقی-درآمد از راه رمالی و ساحری و فالگیری و دعانویسی و کهنات و غیره

معاملات انسان و درآمد انسان باید از راه حلال باشد تا زندگی انسان از گرفتاری‌ها و اثرات زیانبار درآمد حرام مصون بماند .

در رساله امام(ره) مسئله 2055 آمده است:

در چند مورد معامله باطل است: اول: خرید و فروش عین نجس، مثل بول و غایط و مسکرات، بنابر اقوی در بعضی و بنابر احتیاط واجب در بعضی . دوم: خرید و فروش مال غصبی، مگر آنکه صاحبش معامله را اجازه کند . سوم: خرید و فروش چیزهایی که مال نیست . چهارم: معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مثل آلات قمار و موسیقی . پنجم: معامله‌ای که در آن ربا باشد . و حرام است غش در معامله، یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است در

1-سفینه البحار 1/245

2-همان

3-گناهان کبیره 405

4-همان

5-همان

صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است، و این عمل را غش می‌گویند . از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منقول

است که فرمودند: از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا به آنان ضرر بزند یا تقلب و حيله نماید، و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند سبحان برکت روزی او را می‌برد و راه معاش او را می‌بندد و او را به خودش واگذار می‌کند.

در روایتی امام صادق(ع) فرمود: یکی از مصادیق اکل مال به باطل، این است که انسان قرض کرده و با اینکه در مهلت مقرر می‌تواند بدهی خود را بدهد ولی نمی‌دهد و در راه مصارف خود صرف می‌کند.⁽¹⁾

مؤمنین و مؤمنات اگر بخواهند به سعادت برسند باید از خوردن هرگونه غذای حرام، خودداری کنند. نباید بخاطر غذای عالی، آلوده به حرام بشوند. زیرا شکم انسان به گونه‌ای است که هزغذایی به او دادی اعتراض نمی‌کند. نان و سبزی بدهی اعتراض نمی‌کند غذای عالی دادی باز اعتراضی ندارد. لذا علمای ما در مورد خوردن ساده زیست بودند و سخت‌گیری نمی‌کردند

زهد و بی‌رغبتی امام به دنیا

یکی از یاران امام امت می‌گوید: در نجف اشرف روزهای اول برای تهیه غذا، یکی دوبار از امام پرسیدم که «ناهار چه می‌خورید؟» و یا «شام چه میل می‌کنید؟» و امام هم چیزی می‌گفتند. ظاهراً بار سوم بود که امام با قاطعیت همیشگی فرمودند:

از این به بعد دیگر راجع به غذا و شام و ناهار از من چیزی نپرسید و هرچه خواستید درست کنید. من هم مانند شما هرچه بود می‌خورم!

و عملاً نیز تا مدتی که من در خدمت ایشان بودم این شیوه را در زندگی داشتند و معمولاً در مورد غذا و کم و کیف آن اظهار نظر نمی‌کردند. اگرچه در مورد نظافت و جهات بهداشت آن حساسیت خاصی داشتند.⁽²⁾

در حالات سید قزوینی گفته اند : هرگز در خانه خود از خانواده و اولاد و خدمتکاران چیزی نمی‌خواست . مانند غذا در هنگام نهار و چای و غیره . و اگر خانواده او مواظب غذا و احتیاجات او نبودند ، او هرگز

1. میزان الحکمۃ - بحارالانوار 144/100

(2) پا به پای آفتاب : ج 2 ، ص 173 ، از زبان رسولی محلاتی .

درخواست نمی‌کرد و اگر خانواده‌اش فراموش می‌کردند که چیزی به او بدهند شب و روز می‌گذشت و او چیزی نمی‌گفت .⁽¹⁾

علمای این چنین بودند ما هم باید تلاش کنیم به نوع غذا اهمیت ندهیم تا اینکه برای غذای خوب دچار آلودگی شویم.

همچنین باید اقتصاد ما سالم باشد تا مردم آلوده به مال حرام نشوند.

اقتصاد آلوده مثل رواج رشوه خواری، رانت خواری، پولشویی، تقلب، کلاهبرداری، اختلاس و غیره باعث ظلم به عده ای از مردم شده و عدالت اجتماعی را به خطر می‌اندازد . لذا در آیه شریفه مذکور مسلمانان را از این آلودگیها بر حذر می‌دارد .

تأثیرات امور معنوی در سلامتی

یقیناً غذا در روحيات انسان اثر مثبت و منفی می‌گذارد . اگر از غذای پاکیزه و حلال و طیب استفاده شود اثر مثبت و اگر از غذای نجس و آلوده و حرام استفاده شود، اثر منفی بر معنویات انسان

می‌گذارد. همچنین روزه گرفتن، با طهارت غذا خوردن، ذکر الهی بر زبان جاری نمودن، به فقرا کمک کردن در سلامتی انسان نقش‌های کلیدی بازی می‌نمایند.

به داستانی در این زمینه توجه فرمائید:

غذای نجس

«مرحوم آخوند ملاعلی معصومی همدانی به خانه یکی از محترمین جهت صرف غذا دعوت شد. سر سفره میزبان متوجه شد که مرحوم آخوند از خورش موجود در سفره نمی‌خورد. از آنجا که مرد پارسایی بود متوجه می‌شود که احتمالاً اشکالی شرعی در تهیه این خورش است. ابتدا از خانواده خود سؤال می‌کند و می‌بیند که اشکال از این ناحیه نیست. سپس سراغ قصاب می‌رود، قصاب می‌گوید که این گوشت را از شخصی خریده است و خود ذبح ننموده است. به ناچار سراغ فروشنده گوشت به قصاب می‌رود و مسئله را از او می‌پرسد. او ابتدا وجود هر گونه شبه‌های را انکار می‌کند

اما وقتی با اصرار مواجه می‌شود می‌گوید ما گوسفند چاقی داشتیم که آن را در صحرا به جایی بسته بودیم. بعد از چند ساعت که سراغ او رفتیم دیدیم که حیوان از بس جست و خیز کرده طناب به گلایش پیچیده شده و او را خفه کرده است. چون متحمل ضرر زیادی

(1) قصص العلماء تنکابنی

می‌شدیم تصمیم گرفتیم که سر او را بریده و به قصاب بفروشیم.

میزبان وقتی ماجرا را می‌شنود خدمت مرحوم آخوند رسیده و از ایشان می‌پرسد: آقا شما چطور شد که از خورش نخوردید؟

مرحوم آخوند می‌فرماید: من دیدم که در ظرف خورش نجاست وجود دارد.»⁽¹⁾

(39)

(40)

رباخواری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُّوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿278﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿279﴾⁽¹⁾

ای مؤمنین! از خدا بترسید و اگر مؤمنید رباخواری را رها کنید. و اگر رها نکنید به جنگ با خدا و رسولش آماده شوید. و اگر توبه کنید اصل مال حلال است. نه ظلم کنید و نه به ظلم راضی شوید.

یکی از گناهان بزرگ، رباخواری است که آنقدر زشت است که خداوند در آیه مذکور از آن به جنگ با خدا تعبیر کرده است.

و در آیه 125 آل عمران می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

ای مؤمنین! ربا مخورید، چیزی که داده اید چند برابر مستانید و زیاده نطلبید و از مخالفت با خدا بترسید شاید رستگار شوید و از آتشی که برای کفار آماده شده پرهیز کنید.

و در جای دیگر می فرماید: یَمَحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ⁽²⁾

خداوند مال ربائی را بی برکت می کند ولی صدقات را چند برابر می نماید و خداوند کافر گنه کار را دوست ندارد.

آنقدر ربا بد است که در بعضی روایات معادل 70 بار زنا با محارم است⁽³⁾

و پیامبر خدا لعنت کرده خورنده ربا و خوراننده و خریدار و فروشنده و نویسنده و دوشاهد ربا را.⁽⁴⁾

1. بقره

2- بقره 277

3- کافی-الفقیه-التهذیب

4-وسائل، کتاب تجارت باب ربا باب 4 ص 598

به امام صادق (ع) گفتند شخصی مدعی است که ربا مانند شیر مادر حلال است! حضرت فرمود اگر خدا بمن قدرت بدهد گردنش را می زنم!⁽¹⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هرگاه در بین ائمتّم ده خصلت ظاهر شود، خداوند سبحان آنها را به ده چیز کیفر می دهد!

سؤال شد: آنها کدامند یا رسول الله!

فرمود: هنگامی که کم دعا کنند، بلا نازل شود، هنگامی که صدقات را ترک کنند، بیماریها زیاد شود، هنگامی که زکات ندهند، حیوانات بمیرند، هنگامی که حاکم ظلم کند، باران قطع شود، هنگامی که زنا زیاد شود، سگته هم زیاد شود، هنگامی که رباخواران زیاد شوند، زلزله هم زیاد شود، هنگامی که خلاف حکم الهی، حکم کنند، خداوند دشمنانشان را مسلط کند، هنگامی که عهد و پیمان را نقض کنند، خداوند آنها را به قتل مبتلا سازد، هنگامی که وزنها و ترازوها را کم بگیرند، خداوند سبحان آنها را به قحطی مبتلا سازد.⁽²⁾

اگر معصیت در پنهانی انجام شود، فقط ضررش به صاحبش می رسد و اگر در آشکارا انجام شود و کسی با او مخالفت ننماید، به همه مردم ضرر می رسد. "

چند مسئله در باره ربا از رساله امام امت رض

2283 اگر کسی که قرض می دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می دهد بگیرد، مثلاً یک من گندم بدهد و شرط کند که یک من و پنج سیر بگیرد، یا ده تخم مرغ بدهد که یازده تا بگیرد ربا و حرام است بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس دهد مثلاً شرط کند یک تومانی را که قرض کرده با یک کبریت پس دهد ربا و حرام است و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می گیرد به طور مخصوص پس دهد مثلاً مقداری طلای نساخته به او بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد باز هم ربا و حرام می باشد ولی اگر بدون این که شرط کند خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد اشکال ندارد بلکه مستحب است.

2284 ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته اگر چه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می تواند در آن

1- کافی

2. میزان الحکمه - جامع الاخبار/180

تصرف نماید.

2285 اگر گندم یا چیزی مانند آن را به طور قرض ربایی بگیرد و با آن زراعت کند حاصلی که از آن به دست می آید مال قرض گیرنده است.

2286 اگر لباسی را بخرد و بعد از پولی که بابت ربا گرفته یا از پول حلالی که مخلوط با ربا است به صاحب لباس بدهد چنانچه موقع خریداری قصدش بوده که از این پول بدهد پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن جایز نیست و نیز اگر پول ربایی با حلال مخلوط به حرام داشته باشد و به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می خرم پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است نماز هم با آن باطل می باشد.

دو نکته مهم:

1- می توان بجای رباخواری، مضاربه نمود. یعنی پول را به فردی بدهد تا با آن کار کند و هرچقدر سود کرد در سود شریک باشد.

2- سودی که بانک در ایران می دهند اگر طبق قراردادهای شرعی باشد حلال است. گاهی افرادی می گویند پولتان را به ما بدهید ما بیشتر سود می دهیم. این ربا و حرام است. زیرا براساس قراردادهای شرعی نمی باشد.

شرا بخواری

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»⁽¹⁾

از تو درمورد شراب و قمار می پرسند بگو که گناه بزرگی در استفاده از این دو است اگرچه منفعی هم دارد ولی بدی آن از نفعش بیشتر است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٩٠﴾⁽²⁾

ای مؤمنین! شراب و قمار و چوبهای قمار و امثال آن پلید و جزو کارهای شیطانی است لذا از آنها دوری کنید شاید رستگار شوید.

شراب مایعی است مست کننده که نه تنها دردین اسلام بلکه در همه ادیان و بلکه از دید همه اطباء مضر و ضرر آور تشخیص داده شده است.

بزرگترین ضرر شراب مختل کردن عقل آدمی است. عقلی که شرافت انسان و برتری او بر سایر موجودات وابسته به آن است.

یکی از دانشمندان گفته است که حتی مصرف کم الکل می تواند ضایعات مغزی بسیاری را سبب شود. و وقتی انسان از نوشیدن مقدار کمی الکل، احساس لذت و شادمانی می کند نمی داند که به نابودی سلولهای مغزی خود کمک کرده است.

آثار زیانبار شراب در جوامع مختلف قابل انکار نیست. به بعضی از این آثار اشاره می شود:

شراب را می توان ریشه بسیاری از مفاسد غرب دانست که بحمدالله در کشور ما بخاطر رعایت مسائل مذهبی، شرابخواری در حد بسیار ضعیف و اندکی است.

اما در تاریخ می توان به مواردی اشاره کرد که شرابخواری باعث

نابودی و جنایات وقتل شده است. وقتی هارون، خلیفه عباسی، خواهرش عباسه را به عقد جعفر برمکی وزیر مقتدر خود درآورد او را از هرگونه تماس جنسی منع نمود و جعفر هم اطاعت کرد ولی عباسه نتوانست برهوس خود غلبه کند و ترتیبی داد تا جعفر با نوشیدن شراب مست شود. آنگاه با او عمل جنسی انجام داد. وقتی بعد از مدتها خبر به هارون رسید، دستور کشتن جعفر برمکی و کندن ریشه برامکه در دستگاه خلافت خود را صادر نمود. و به این ترتیب ریشه برمکی ها از قدرت و خلافت کنده شد.

و یا وقتی مغولها به ایران حمله کردند، پادشاه ایران جلال الدین خوارزمشاه بدلیل مستی نتوانست تصمیم درستی برای دفاع از کشور

بگیرد لذا کشور ایران به اشغال مغولها درآمد و تمدن اسلامی دچار آفت مخربی گردید.

در زمان امیرکبیر که می رفت کشور ما از تاریکی و گمراهی بدرآید و از عقب ماندگی نجات یابد، بدخواهان حکم قتل امیرکبیر را از ناصرالدین شاه در حال مستی گرفتند و اجرا نمودند. و باعث شدند که امید نجات ایران برباد رود.

در تاریخ ذکر شده که افرادی بوده اند که بر اثر مستی با محارم خود مثل خواهر خود زنا کرده اند.

ابلیس شبی رفت به بالین جوانی آراسته با شکل مهیبی سر و بر را

گفتا که منم مرگ و اگر خواهی زنهار باید بگزینی تویکی زین سه خطر را

یا بشکنی از خواهرِ خود، سینه و سر را	یا آن پدر پیر خودت را بکشی زار
کز مرگ فتد لرزه به تن ضیغم نر را	لرزید از این بیم جوان بر خود و جادشت
تا آنکه بپوشم ز هلاکِ تونظر را	یا خود ز می ناب کشی یک دو سه ساغر
هر گز نکنم ترکِ ادب این دونفر را	گفتا پدر و خواهر من هر دو عزیزند
می نوشم و باوی بکنم چاره شر را	لکن چوبه می دفع شر از خویش توان کرد
هم خواهر خود را زد و هم کشت پدر را	جامی دو بنوشید و چو شد خیره ز مستی
زین مایه شر حفظ کند نوع بشر را	ای کاش شود خشک بن تاک و خداوند

«ایرج میرزا»

دانشمندان تنها آثار زیانبار شرابخواری را گریبانگیر شرابخوار نمی دانند بلکه به نسلهای بعدی هم این آثار سرایت می کند.

دبیر کل سازمان بین المللی مبارزه با الکل گفت که هشتاد درصد دیوانگان و چهل درصد بیماران آمیزشی در نتیجه اعتیاد به الکل بوده است. و دکتری در آلمان گفته است که درب میکده هارا ببندید تا من درب نیمی از بیمارستانها و دیوانه خانه هارا ببندم.

می چنانت کند به نادانی	که بز ماده را پری خوانی
مست نادم شود به هشیاری	توزمستان طمع چه می داری؟

جایگاه شرابخوار در روایت:

امام صادق (ع) فرمود: هر که شراب بخورد روح ایمان از او خارج می گردد.⁽¹⁾

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ بَعْدَ مَا حَرَّمَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى لِسَانِي فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُزَوَّجَ إِذَا خَطَبَ وَلَا يُشَفَّعَ إِذَا شَفَعَ وَلَا يُصَدَّقَ إِذَا حَدَّثَ وَلَا يُؤْتَمَنَ عَلَى أَمَانَةٍ⁽²⁾

پیامبر خدا ص فرمود: بعد از اینکه خداوند شراب را حرام کرد، اگر کسی شراب بخورد نباید به او زن بدهید. شفاعتش را قبول نکنید. سخنش را تصدیق نکنید. او را امین در امانتهای خود قرار ندهید.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: يُؤْتَى شَارِبُ الْخَمْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ مُدْلَعًا لِسَانُهُ يَسِيلُ لُعَابُهُ عَلَى صَدْرِهِ⁽³⁾

امام باقر ع فرمود: روز قیامت شارب خمر با صورتی سیاه و درحالی که زبانش بیرون افتاده و آب دهانش بر سینه اش سرازیر است محشور می گردد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يُعَادُ إِذَا مَرِضَ وَلَا يُشْهَدُ لَهُ

1- کافی 2/276

2- الکافی ج : 6 ص : 396

3- الکافی ج : 6 ص : 396

جَنَازَةٌ وَلَا تُرَكُّوهُ إِذَا شَهِدَ⁽¹⁾

پیامبر خدا ص فرمود: اگر شرابخوار مریض شد به عیادتش نروید. اگر مرد در تشییش حاضر نشوید. شهادتش را قبول نکنید.

لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْخَمْرَ وَ عَاصِرَهَا وَ مُعْتَصِرَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ آكِلَ ثَمَرِهَا وَ شَارِبَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ⁽²⁾

پیامبر اسلام (ص) در رابطه با نوشیدن شراب، ده دسته را لعن فرمود: کسیکه درخت آن را می‌نشاند، آنکه درخت را آبیاری می‌کند، کسیکه آب آنرا می‌گیرد و شراب می‌سازد، کسیکه شراب را می‌نوشد، ساقی شراب، آورنده شراب، کسیکه شراب بسویش آورده می‌شود، خریدار شراب، مصرف کننده پول شراب و کسانی که در خوردن و فشردن انگور شراب و فروختن و خریدن و حمل آن دست دارند و کسیکه از پول فروش آن استفاده می‌کند، همه در گناه شریکند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ شَرِبَ النَّبِيذَ عَلَى أَنَّهُ حَلَالٌ خُلِدَ فِي النَّارِ وَمَنْ شَرِبَهُ عَلَى أَنَّهُ حَرَامٌ عَذَّبَ فِي النَّارِ⁽³⁾

امام صادق (ع) فرمود: هر که شراب را به عنوان اینکه حلال است بخورد در جهنم ابدی می‌ماند و هر که به عنوان اینکه حرام است بخورد در جهنم عذاب می‌شود.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: يَا يُونُسَ بْنَ ظَبْيَانَ أْبْلِغْ عَطِيَّةَ عَنِّي أَنَّهُ مَنْ شَرِبَ جُرْعَةً مِنْ خَمْرٍ لَعَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَإِنْ شَرِبَهَا حَتَّى يَسْكُرَ مِنْهَا نُزِعَ رُوحُ الْإِيمَانِ مِنْ جَسَدِهِ...⁽⁴⁾

امام صادق (ع) فرمود: هر که یک جرعه شراب بنوشد خداوند عز و جل و ملائکه و پیامبران و مؤمنین همه لعنش کنند و اگر آنقدر بخورد که مست کند روح ایمان از بدنش خارج می‌گردد.

همچنین امام صادق (ع) فرمود: شرابخواران، تشنه می میرند و تشنه محشور می شوند و تشنه وارد جهنم می شوند.⁽⁵⁾

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ وَ لَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ وَ لَا

1-الكافي ج : 6 ص : 396

2-الكافي ج : 6 ص : 398

3-الكافي ج : 6 ص : 398

4-الكافي ج : 6 ص : 399

5-الكافي ج : 6 ص : 400

يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ⁽¹⁾

پیامبر خدا ص فرمود: کسی که نمازش را سبک بشمارد شفاعتم به او نمی رسد و در حوض کوثر بر من وارد نمی شود. به خدا قسم! شفاعتم به شرابخوار نمی رسد و بر من در کنار حوض کوثر وارد نمی شود والله.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا أَنْحَبَسَتْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ إِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ⁽²⁾

امام صادق (ع) فرمود: هر که شراب بخورد نمازش تا چهل روز بالا نمی‌رود و اگر در این چهل روز بمیرد، با جاهلیت مرده است. ولی اگر توبه کند، خداوند توبه‌اش را قبول می‌نماید.

امام صادق (ع) فرمود: کسیکه عمرش را در شرابخواری فنا کند مانند بت پرستان است و کسی که از ترس خدا از شرابخواری دست بردارد خداوند او را بهشت برده و از شراب بهشتی سیراب نماید.⁽³⁾

عَنْ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ ابْتَدَأَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ يَوْمًا مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ قَالَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ كُلُّهُ حَرَامٌ فَقَالَ نَعَمْ الْجُرْعَةُ مِنْهُ حَرَامٌ⁽⁴⁾

فضیل بن یسار می‌گوید روزی امام صادق (ع) بدون مقدمه به من فرمود: رسول خدا ص فرمود هر مست کننده‌ای (شرابی) حرام است. پرسیدم همه جورش یا هر مقدارش حرام است؟ فرمود حتی یک جرعه ان هم حرام است.

«وقتی متوکل دستور داد امام هادی (ع) را به مجلس شراب او بیاورند و به امام ابتدا اصرار بر خوردن شراب نمود و چون امتناع امام را دید تکلیف بر شعر گفتن نمود، امام اشعاری را خواندند که وضع مجلس را عو.ض کرد و اشک به چشمان نحس متوکل آمد و دستور داد امام را با احترام برگردانند. ابیات امام بشرح زیر است:

1- الکافی ج : 6 ص : 400

2- الکافی ج : 6 ص : 400

3- الکافی ج : 6 ص : 404

4- الکافی ج : 6 ص : 411

باتوا على قلل الاجبال تحرسهم غلب الرجال فلم تنفعهم القلل

واستنزلوا بعد عزٍ من معاقلهم واسكنوا حُفراً يا بئس ما نُزلوا

ناداهم صارخٌ من بعد دفنهم اين الاساور والتيجان والحُلل

اين الوجوه اللتي كانت منعمه من دونها تضرب الاستار والكُلل

فافصح القبر عنهم حين سائلهم تلك الوجوه عليها الدود تنتقل

قد طال ما اكلوا دهداً و قد شربوا واصبحوا اليوم من بعد الاكل قد اُكلوا⁽¹⁾

«ستمگران در قله های برفراز کوه با نگهبانانی نیرومند بسر می بردند. ولی با آمدن مرک این کوه ها سودی برای آنان نداشت.

بعد از عزتی که داشتند باغ مردنشان، به سوراخهایی افتادند چه بد فرود آمدنی بود؟

وقتی آنها را داخل قبر گذاشتند، صدائی آمد که : کجاست آن تخت ها و تاج ها و لباسها؟

کجا هستند آن صورتهایی که غرق در نعمت بودند. و همیشه زیر پرده ها و پشه بندها قرار داشتند؟

ناگاه قبر با زبان فصیح از طرف این مرده ها جواب داد: کرمها بر این صورتها می غلطند!

یک عمر طولانی خوردند و آشامیدند. حالا خودشان توسط کرمها خورده می شوند.»

ملاقات دبیر کل با آیه الله بروجردی

نقل می کنند که دبیر کل بین المللی مبارزه با الکل با آیه الله العظمی بروجردی ملاقات کرد و علت حرمت شراب در اسلام را از ایشان پرسید. آقا فرمودند زیرا شرافت انسان به عقلش است و شراب عقل را تعطیل می کند و مختل می نماید.

دبیر کل خیلی از این جمله خوشش آمد و گفت من با رؤسای مذاهب زیادی ملاقات کرده و این سوال را کرده ام ولی هیچکدام این چنین

1- منتهی الامال-ستارگان درخشان

کامل به من جواب نداده اند.⁽¹⁾

نقل شده که یک دکتر در آلمان به مسئولین کشورش گفته بود شما شراب فروشی ها را تعطیل کنید تا من نصف تیمارستان ها را ببندم!

ملعون است کسی که...

در روایت است که آقا رسول الله فرمود ملعون است کسی که سر سفره ای بنشیند که در آن شراب باشد.⁽²⁾

و در سخن دیگری فرمود کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد نباید سر سفره ای که در آن شراب نوشیده می شود بنشیند.⁽³⁾

بعضی از افراد شراب را برای معالجه می خورند در حالی که آقا امام صادق (ع) فرمود خداوند شفای هیچ مرضی را در شراب قرار نداده است.⁽⁴⁾

1-داستانهایی از زندگی علماء

2-وسائل الشیعه

3-مسالك شهيد ثانی باب اطعمه و اشربه

4-فروع کافی کتاب الاشربه باب من اضطر الى خمر

عدم پرداخت خمس

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقْيِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (41).⁽¹⁾

یعنی بدانید که از هر چه گیرتان آمد باید یک پنجم را برای خدا و پیامبر و سادات و یتیمها و مساکین و در راه مادنه قرار دهید اگر به خدا و قرآن و روز قیامت ایمان دارید که خدا بر هر چیزی قادر است.

«اصل وجوب خمس فی الجملة از ضروریات اسلام است و منکر آن کافر است و خلاصه این که خمس یکی از فرایض الهی است که در قرآن مجید و روایات مستفیضه به آن امر تأکید شده و محل اتفاق همه شیعه امامیه بلکه عموم مسلمین است اگرچه در بعضی خصوصیات آن از حیث مورد و مصرف، اختلاف وجود دارد و چنانچه کسی از پرداخت یک درهم یا کمتر امتناع کند در زمره ظالمین به پیامبر اکرم (ص) و ذریه آن حضرت می باشد و از غاصبین حق آنها محسوب می شود. بلکه هر کس خمس را حلال بداند از کافرین است و در هر صورت تا انکار شخص نسبت به اصل خمس محرز نشود نمی توان حکم به کفر او کرد.»⁽²⁾

افرادی که خمس بر آنها واجب می‌شود اگر نپردازند نمی‌توانند در اموال خود تصرف کنند و اگر با پول خمس نداده مواد غذایی بخرند و بخورند بعنوان حرام خواری محسوب می‌شود.

مراد از زکات که در آیات زیادی از قرآن آمده هم زکات اصطلاحی و هم خمس است. زیرا مراد از کات پاک کردن مال از حقوق مالی می‌باشد چه حقوق مالی زکات باشد و چه خمس باشد.

1- انفال 41

2- جامع المسائل آیه الله فاضل ج 2 ص 176

امام زمان (عج): لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی است که از مال ما درهم حرامی بخورد.⁽¹⁾

امام زمان (عج): کسی که مالش زیاد باشد و حق آن را ادا نکند بدرستی که مالش در روز قیامت مارهایی خواهند بود که او را نیش می‌زنند.⁽²⁾

امام باقر (ع): برای هیچ کس روا نیست چیزی از خمس را خریداری کند تا حق ما به ما برسد.⁽³⁾

موارد خمس

مهریه زن و هدیه و ارث خمس ندارد و سرمایه و زمین کشاورزی و وسیله نقلیه‌ای که منبع درآمد است و مغازه و پولی که بر آن یکسال گذشته و... خمس دارد.

1- بحارج 53 ص 184

2-بحار ج 96 ص 29

3-وسایل ج 6 ص 338

عدم پرداخت زکات

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»⁽¹⁾

یعنی زکات برای فقرا، مساکین، کارگزان جمع آوری زکات، مخارج هدایت کافران، آزاد کردن غلامان، ادای قرض قرضداران و در راه خدا است و واجب بوده و خداوند آگاه و حکیم می باشد.

افرادی که زکات بر آنها واجب می شود اگر نپردازند نمی توانند در اموال خود تصرف کنند و اگر با پول زکات نداده مواد غذایی بخرند و بخورند بعنوان حرام خواری محسوب می شود.

زکات سهمی از درآمد کسانی است که گندم و جو و انگور و خرما و گوسفند و شتر و گاو و طلا و نقره با شرایطی که در رساله ها نوشته شده داشته باشند .

پرداخت زکات از نظر خداوند، یکی از علامتهای دینداری و شرط ضروری ایمان شمرده شده است.

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»¹ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»² وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»³ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ»⁴»⁽²⁾

یعنی حقیقتاً مؤمنین رستگار شدند آنانکه در نماز خاشع، از لغو دور و اهل زکات دادن هستند.

ندادن زکات نشانه شرک است:

«و ويلٌ للمشرِكين. الذين لا يؤتون الزكّات و هم بالآخره هم كافرون»⁽³⁾

یعنی وای بر مشرکین که زکات نمی دهند و قیامت را قبول ندارند.

پرداخت زکات باعث جلب رحمت الهی است:

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (56)⁽⁴⁾

نماز گذاشته و زکات داده و از پیامبر اطاعت کنید شاید خدا بشما رحم نماید.

1-توبه 60

2-مؤمنون 4-1

3-فصلت 7-6

4-نور 56

دادن زکات یکی از وظایف حاکمان مؤمن است:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (41)⁽¹⁾

یعنی آنان که اگر به آنها حکومت بدهیم نماز اقامه کرده و زکات داده و امر بمعروف و نهی از

منکر می نمایند. و عاقبت همه امور به خدا بر می گردد.

زکات در شریعت همه پیامبران الهی بوده است:

«وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا» 54 «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» 55» (2)

یاد کن در کتاب از اسماعیل که به وعده‌اش عمل می‌کرد و پیامبر و رسول بود و خانواده‌اش را به نماز و زکات امر می‌نمود و خدا از او راضی بود.

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ» 72 «وَجَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» 73» (3)

یعنی به ابراهیم، عطا کردیم اسحاق و یعقوب را و همه را صالح قرار دادیم و پیوایان از طرف خود کردیم و به آنها وحی نمودیم که کارهای خیر و نماز و زکات انجام دهند و آنها ما را عبادت می‌کنند.

زکات یکی از راههای امتحان مؤمنین است:

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» 28» (4)

یعنی مال و فرزندان اسباب آزمایش هستند و در نزد خدا پاداش عظیمی است.

خداوند زکات و حقوق مالی الهی را پاک کردن نامیده است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (5)

با گرفتن صدقات آنها را پاک و تصفیه نما.

3- انبیاء 74

4- تغابن 15

5- توبه 102

روایات

رسول خدا(ص) فرمود ندا کنند که ای مسلمین! زکات اموالتان را بدهید تا نمازتان قبول شود.⁽¹⁾

امام باقر(ع): خدا در قرآن زکات را با نماز آورده پس هر که نماز بخواند ولی زکات ندهد مثل این است که نماز نخوانده است.⁽²⁾

امام صادق(ع): قسم به خدائی که مخلوقات را خلق کرد و به آنها رزق داد هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نمی رود مگر بواسطه ندادن زکات.⁽³⁾

موارد زکات

چنانچه «گندم، جو، خرما، انگور» به مقدار تقریبی 870 کیلو گرم برداشت کند باید در آنجایی که از آب باران ورودخانه استفاده کرده یک دهم و در آنجا که از آب چاه استفاده نموده، یک بیستم را زکات بدهد.

و چنانچه «گوسفند، گاو، شتر» دارد و دوازده ماه از علف صحرا استفاده می کنند وقتی به حد نصاب رسیدند باید زکات آنها را بدهد.

و چنانچه «طلا، نقره» دارد اگر به حد نصاب رسید باید زکات آن را که در بیست مثقال طلا تقریباً نیم مثقال می شود را بدهد.

مصارف زکات

زکات را می‌توان در هشت مورد مصرف نمود و نیازی به اجازه از مجتهد نیست: 1- فقیر 2- مسکین
3- کارگزاران جمع آوری زکات 4- برای مسلمان کردن کفار 5- قرض‌داران 6- برای آزاد کردن غلام
7- در راه ماندگان 8- در راه خیر مثل مسجد و بیمارستان و روضه خوانی و کتابخانه و ازدواج و غیره
«ثعلبه مردی فقیر بود. او از پیامبر خواست که دعا کند تا ثروتمند شود! پیامبر به او هشدار داد که ثروت
برای تو خطرناک است. اما ثعلبه اصرار کرد و پیامبر برایش دعا نمود. طولی نکشید که ثعلبه ثروتمند
شد

1- وسائل ج 4 ص 3

2- وسائل ج 4 ص 3

3- وسائل ج 4 ص 3

و جزء دامداران گردید. کم از نظر جا برای دامهای او در مدینه مشکل پیدا شد لذا از پیامبر اجازه
گرفت تا به خارج از مدینه برود.

او در خارج از مدینه به زیاد کردن ثروت خود مشغول بود. وقتی پیامبر (ص) نماینده ای نزد او فرستاد تا
زکات گوسفندان او را بگیرد، ثعلبه امتناع کرد و گفت: چرا پیامبر (ص) سراغ افراد دیگر نمی رود
و سراغ من فرستاده است؟

نماینده پیامبر با دست خالی برگشت. ناگاه آیه ای در باره این امتناع ثعلبه و افرادی مانند او نازل شد.. که
تقریباً از ارتداد ثعلبه خبر می داد. وقتی این خبر به ثعلبه رسید، گوسفندان خود را برداشت و به مدینه
آمد و خدمت پیامبر رفت و گفت: زکات آورده ام! پیامبر فرمود: من نمی توانم از تو زکات قبول
کنم! ثعلبه با شنیدن این مطلب شروع به عجز و لابه کرد ولی حضرت زکات او را قبول ننمود. بعد از

رحلت پیامبر، ثعلبه سراغ ابوبکر رفت و گفت: من زکات آورده ام. ابوبکر گفت: چون پیامبر زکات تو را قبول نکرد، من هم نمی توانم قبول نمایم. ثعلبه بعد از مدتی با حسرت دادن زکات از دنیا رفت! ⁽¹⁾

1- تفسیر مجمع البیان ذیل آیه 77 توبه

خوردن مال یتیم

یکی از گناهان بزرگ، خوردن مال یتیم است. که در چند جای قرآن از جمله در سوره فجر به این گناه اشاره کرده است

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا» ⁽¹⁾ «10»

آنان که از روی ناحق و ستم، مال یتیمها را می خورند در حقیقت آتش جهنم را می خورند و بزودی وارد آتش می شوند.

در جای دیگر می فرماید: «وَأْتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَيْثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا» ⁽²⁾ «2»

مال ایتام را به آنها بدهید و مال نادرست را با مال درست مخلوط ننمائید و اموال آنها را با اموال خود نخورید که گناهی بزرگ است.

و در جای دیگر فرموده است: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» ⁽³⁾

به مال یتیم نزدیک شوید مگر برای کاری که به صلاح یتیم باشد.

در روایت هم نقل شده است:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: أَوْعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَالِ الْيَتِيمِ بِعُقُوبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا عُقُوبَةُ الْآخِرَةِ النَّارُ وَ أَمَّا عُقُوبَةُ الدُّنْيَا فَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ الْآيَةُ يَعْنِي لِيَخْشَ أَنْ أَخْلِفَهُ فِي ذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَنَعَ بِهِوَءُ لَاءِ الْيَتَامَى (4)

امام صادق (ع) فرمود: خداوند در باره خورندگان مال یتیم، دو مجازات را وعده کرده است یکی در قیامت است که آتش جهنم می باشد. دیگری در دنیا. اما مجازات دنیوی در آیه شریفه آمده که اینهایی که مال یتیم خور هستند از این بترسند که بعد از خودشان همین بلا سر یتیمهای خودشان بیاید وافرادی مال آنها را بخورند!

آقا رسول الله (ص) فرمود: در معراج گروهی را دیدم که آتش وارد

1-نساء 10

2-نساء 2

3-اسراء 34

4-الكافی ج : 5 ص : 129

شکمشان می شد و از پشتشان در می آمد! از جبرئیل پرسیدم اینان چه کسانی هستند؟ فرمود اینها در دنیا مال یتیم را بناحق می خوردند. (1)

مراد از مال یتیم خوری یعنی مردی فوت کرده وچندتا بچه باقی گذاشته است که اموالی از طریق ارث به آنها رسیده است. حالا دایی یا عمو یا مادر بچه ها یا فرد دیگری با دوز و کلک قسمتی یا همه اموال یتیمها را تصرف می کند. خداوند در قرآن به این فرد وعده عذاب دردناک داده است.

مسئله مال یتیم آنقدر مهم است که نباید به خانه‌ای که یتیم در آن سهم دارد رفت زیرا تصرف در مال یتیم حساب می‌شود مگر اینکه رفتن به منزلی که یتیم در آن سهم دارد یا نشستن سر سفره‌ای که با مال یتیم تهیه شده برای یتیم سودی دارد یا به مصلحت اوست و تشخیص مصلحت را هم به عهده خود فرد متصرف گذاشته‌اند که خودش تشخیص دهد من غذای این یتیم را دارم می‌خورم آیا فایده‌ای برای یتیم دارد؟ مثلاً در لرستان رسم است که وقتی در مجلس ترحیم شخصی حاضر می‌شوند و ناهار یا شام می‌خورند پُرسانه می‌دهند یعنی مبلغی پول نقد کمک می‌کنند اگر این جور باشد که خرجی که از مال یتیم می‌شود جبران شود غذا خوردن اشکال ندارد ولی اگر به ضرر مادی یتیم باشد یا هیچ فایده‌ای در این غذا دادن نباشد نباید انسان به منزل ایتام برود.

1- وسائل، کتاب تجارت باب 99

دزدی

«وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»⁽¹⁾

دست زن دزد و مرد دزد را بعنوان نتیجه اعمالشان و مجازات الهی ببرید و خداوند قدرتمند و حکیم است.

از جمله گناهان کبیره که به شکم هم مربوط می‌شود دزدی اموال مردم یا دولت می‌باشد.

آقا رسول الله فرمود که دزد در هنگام دزدی ایمان ندارد.⁽²⁾

و امام صادق (ع) فرمود: هر کس از مال مسلمان چیزی را که نگاهداشته بدزدد دزد نامیده می‌شود. و نزد خدا سارق است.⁽³⁾

فردی که دزدی می کند از الطاف الهی محروم می شود زیرا تجاوز به اموال مردم باعث غضب الهی می گردد. لذا اولیاء خدا و بزرگان و خوبان هیچگاه به این گناهان ، آلوده نمی شدند و پاک زندگی می کردند و حاضر بودند از گرسنگی سنگ بر شکم ببندند ولی به اموال دیگران دست درازی ننمایند.

اگر فردی مدتی دزدی کرده یا در نوجوانی دزدی کرده و حالا پشیمان است و می خواهد توبه کند باید حلالیت بطلبد یا آن اموال را پس بدهد. و لازم نیست مسئله دزدی را مطرح کند و بلکه غیر مستقیم آن اموال را برگرداند از از صاحبش رضایت بگیرد.

دزدی انواع مختلفی دارد از جمله به کسی که وارد منزل مردم می شود و اموال آنها را می برد دزد می گویند تا کسی که کارمند بانک است و با جعل اسناد مبالغی را برای خود بر می دارد تا کسانی که زمینهای دولت را می فروشند . همچنین کسی که مهریه زنش را نمی دهد دزد است و کسی که قرض کرده و با اینکه دارد پس نمی دهد دزد است. کسی که از پشت کنتور برق و آب لوله وسیم کشیده و مصرف می کند از یک جهت برق دزدی و آب دزدی می کند. کسی که پول صندوق کمیته امداد را برمی دارد دزد است و...

تجارت آلوده

1-مائده 106

2-وسائل الشیعه

3-تهذیب

بازاریانی که کم فروشی یا گرانفروشی یا تقلب یا احتکار و خیانت در وزن و پیمانه و امثال آن می کنند و پولهای بدست آمده را خرج شکم خود و خانواده شان می کنند نیز جزو حرام خوران هستند.

خداوند سوره‌ای را در مذمت کم فروشان بنام مطففین، نازل کرده است. و روایات فراوانی در مورد گناهان فروشندگان متخلف وجود دارد از جمله:

آقا رسول الله (ص) فرمود: کسیکه در معامله با مسلمانان خیانت کند از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور می شود و خداوند برکت را از روزیش برمی دارد و معیشتش را خراب کرده بخودش وامی گذارد.⁽¹⁾

در یک روایت امام صادق (ع) فرمود که از جمله اموال حرام، اجرت زنهای بدکار و پولی که از فروش شراب و سگ و مردار بدست آورده و رشوه که قاضی می گیرد تا بنفع رشوه دهنده حکم دهد و مزد کاهنان و ساحران همه اینها مال حرام هستند.⁽²⁾

در مورد رشوه چند روایت نقل کنم.

آقا رسول الله (ص) فرمود: خدا رشوه دهنده و رشوه گیرنده و دلال رشوه را لعنت کند.⁽³⁾

و فرمود: از رشوه بپرهیزید که حقیقت آن کفر است و صاحب رشوه بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.⁽⁴⁾

در حدیث نبوی آمده که از نشانه‌های نزدیکی قیامت این است که رشوه را به عنوان هدیه حلال خواهند ساخت!⁽⁵⁾

1- عقاب الاعمال - مکاسب محرمة

2- وسائل، کتاب تجارت باب 32

3- سفینه البحار 52/1

4- سفینه البحار 523/1

5- گناهان کبیره شهید دستغیب

خوردن مردار و گوشت حیوانات ذبح نشده و حرام گوشت

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ»⁽¹⁾

حرام است خوردن مردار و خون و گوشت خوک و هر چه موقع کشتنش نام خدا برده نشده و حیوانی که خفه شده یا باسنگ کشته شده یا از بلندی در چاه افتاده باشد یا بوسیله شاخ زدن حیوان دیگر مرده باشد یا درنده‌ای آن را پاره کرده یا از آن خورده باستثنای آن حیوانی که ذبح شرعی شده یا روی سنگهای مخصوص ذبح شده و حرام است تقسیم تیرقمار. اینها همه فسق حساب می‌شود.

در اسلام خوردن گوشت حیوانات گوشتخوار حرام و خوردن گوشت اکثر حیوانات علفخوار همانند گوسفند و گاو شتر، آهو و بزکوهی حلال است. از پرندگان هم همه انواع مرغ و گنشگ و کبوتر حلال است.

در کتاب امالی و کافی روایتی است که امام صادق (ع) فرمود علت حرمت گوشت مردار آنست بدن را ضعیف و جسم را لاغر و نیرو را سست و نسل را قطع کرده باعث مرگ ناگهانی می‌شود.

در تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) روایت شده که خوردن خون باعث مرض کلب (عطش شدید و شبیه به جنون) و قساوت قلب و کم شدن مهربانی و ترحم می‌شود و کسی که خون می‌خورد از کشتن والدین یا خویشاوندان و دوستان باکی ندارد.

در فرهنگ لاروس آمده که کشورهایی که مردمش گوشت خوک مصرف می کنند اغلب دچار بیماری لادرری (کرم تنیا و کرم کدو) می شوند ولی در کشورهای اسلامی از این بیماری خبری نیست. غیر از مواردی که ذکر شد دهها نوع دیگر حرامخواری در بین افراد وجود دارد از جمله درآمدهایی که از راه های زیر بدست می آید:

1- فالگیری و رمالی

2- فروش کتابها و محصولات ضد فرهنگی مستهجن و مخالف دین و فاسد کننده اخلاق

3- کمک به خلاف مثل دلالتی در کارهای خلاف همانند کمک به

1- مائده 4

فروش لوازم سرقتی و غیره

4- فروش مواد مخدر و قاچاق

5- فروش اسناد جعلی دولتی

6- خوانندگی حرام

7- فعالیت در هر کاری که خلاف قانون یا شرع است که درآمدهای

حاصله بعنوان پول کثیف نامیده شده و استفاده از آن حرام است.

آب_ لیموی_ شیراز

مرحوم شیخ عبدالحسین خوانساری گفت: در کربلا عطاری بود مشهور و معروف، مریض شد و ۱۰۰ جمیع اجناس دکان و اثاث خانه منزل خود را به جهت معالجه فروخت اما ثمر نکرد؛ و جمیع اطباء اظهار ناامیدی از او کردند.

گفت: یک روز به عیادتش رفتم و بسیار بدحال بوده و به پسرش می گفت: اسباب منزل را به بازار ۲ ببر و بفروش و پولش را بیاور برای خانه مصرف کنید تا به خوب شدن یا مردن راحت شوم! گفتم: !این چه حرفی است می زنی؟

دیدم آهی کشید و گفت: من سرمایه زیادی داشتم و جهت پولدار شدن من این بود که یکسالی ۳ مریضی در کربلا شایع شد که علاج آنها دکترها منحصر به آبلیموی شیراز دانستند، آب لیموگران و کمیاب شد. نفسم به من گفت: قدری آب لیمو دارای چیز دیگر ممزوج به او کن و بوی آب لیمو از آن فهمیده می شد او را به قیمت آب لیموی خالص بفروش تا پولدار شوی

همین کار را کردم، و آب لیمو در کربلا منحصر به دکان من شد و سرمایه زیادی از این مال ۴ مغشوش بدست آوردم تا جائی که در صنف خودم مشهور شدم به (پدر پولهای هزارهزاری). مدتی نگذشت که به این مرض مبتلا شدم، هر چه داشتم فروختم برای معالجه فایده ای نکرده است، فقط همین آخرین متاع بود که گفتم این را بفروشند یا خوب می شوم یا می میرم و از این مرض خلاص می شوم.

اثر_کردار_بد_در_برزخ

یکی از بزرگان اهل علم و تقوی فرمود: یکی از بستگان‌شان در اواخر عمرش ملکی خریده بود و از استفاده سرشار آن، زندگی را می گذراند. پس از مرگش، در برزخ او را دیدند که کور است. ? از علت آن پرسیدند؟

گفت: ملکی را خریده بودم، و وسط زمین چشمه آب گوارائی بود که اهالی ده مجاور می آمدند خود و حیواناتشان از آن استفاده می کردند، و به واسطه رفت و آمد، مقداری از زراعت من خراب می شد. برای اینکه سودم از آن مزرعه کم نشود، و راه آمد و شد را بگیرم، به وسیله خاک و سنگ و آهک چشمه را کور نمودم و خشکانیدم. بیچاره مجاورین ده برای آب به جاهای بسیار دور می رفتند. این کوری من به واسطه کور کردن چشمه آب است. گفتم: آیا چاره ای دارد؟

گفت: اگر ورثه‌ام بر من ترحم کنند و آن چشمه را مفتوح و جاری سازند تا دیگران استفاده کنند ✓
حالم خوب می شود. ایشان فرمود: به ورثه اش مراجعه کردم و جریان را گفتم و آنها پذیرفتند، و چشمه را گشودند و مردم استفاده می کردند. پس از چندی آن مرحوم را دیدم که چشمش بینا شده و از من سپاسگذاری کرد.

گناهان جنسی

از جمله گناهان کبیره اعضاء، گناهانی است که از طریق جنسی انجام می شود. مانند گناه جنسی زنا و لواط و استمناء و استشهائ

.زنا به انجام عمل جنسی بین زن و مرد، بدون اینکه ازدواجی صورت بگیرد، گفته می شود.

خدا در قرآن می فرماید:

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» 32 «اسراء 32

حتی نزدیک زنا نشوید که عمل زشت و بدراهی است.

علامه طباطبایی می فرماید: «آیه مذکور از زنا نهی می کند و در حرمت آن مبالغه کرده است چون نفرمود این کار را نکنید بلکه فرموده نزدیکش هم نشوید. و علت این نهی را دو چیز دانسته است: یکی این که این عمل فاحشه است! وزشتی و فحش بودن زنا لاینفک بوده بطوری که در هیچ فرضی از آن جدا نمی شود. دوم این که این روش، روش زشتی است که به فساد جامعه آن هم فساد همه شؤون اجتماع منجر می شود و به کلی نظام اجتماع را مختل ساخته و انسانیت را به نابودی تهدید می کند.

در آیه دیگر در عذاب مرتکبین آن مبالغه نموده در ضمن صفات مؤمنین فرمود: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» 70 «وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا» 71 «فرقان 68

یعنی زنا نمی کنند که هر که بکند، گناه کرده و در قیامت عذابش دوچندان شده و بصورت خوار و ذلیل، ابدی در جهنم می شود مگر کسانی که توبه کرده و عمل صالح انجام دهند.»⁽¹⁾

یکی از وسوسه های مهم شیطان، تحریک انسان به انجام اعمال نامشروع است. مخصوصا اینکه استکبار جهانی برای تشکیل دهکده جهانی و تسلط بر کل دنیا، از طریق هجوم فرهنگی به کشورهای مانند ایران که مردمی پاکدامن دارد، تلاش می کند با اشاعه فساد جنسی به مردم مخصوص

1-المیزان ذیل آیه 32 اسراء

جوانان آنها را از فرهنگ اسلامی و ایرانی خود جدا کرده به اسارت فرهنگی خود دریاورد. لذا سرمایه گذاری بزرگی در این بخش انجام داده و با راه اندازی صدها شبکه ماهواره ای و سایتهای مستهجن و راه اندازی گروههای شیطان پرست و گروههای فاسد کننده مردم، می خواهد به هدف خود برسد. اگر اعمال نامشروع را بتواند بین جوانان اشاعه دهد به هدف خود رسیده است همانطور که در قضیه اندلس، غرب توانست با فاسد کردن جوانان مسلمان، حکومت اسلامی را شکست دهد و از سرزمینهای اسپانیا و غیره بیرون کند.

برای آگاهی جوانان مسلمان تعدادی روایت و حدیث در تبیین پلیدی اعمال نامشروع و آثار خطرناک این اعمال بر روی جامعه و فرد، ذکر می نمائیم:

«امام علی (ع): آدم غیور هرگز زنا نمی کند»⁽¹⁾

«امام صادق (ع): کسانی که مرتب زنا می کنند یادزدی می نمایند یا شراب می خورند مانند بت پرستان می باشند.»⁽²⁾

«امام صادق (ع): خدا به حضرت موسی (ع) وحی کرد: زنان کنید تا زنان شما هم زنا نکنند و کسیکه بازنی زنا کند، بازنش زنا کنند پس همانطور که داده اید پس می گیرید!»⁽³⁾

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«زنا دارای سه اثر بد دنیوی و سه اثر بد اخروی است. اثرات دنیوی زنا: رسوا شدن، کوتاهی عمر و قطع روزی (روزی حلال) و اثرات اخروی: سختی حساب، خشم خداوند و ابدی بودن در جهنم است»⁽⁴⁾.

«آمده است که وقتی لشکر حضرت موسی علیه السلام به فرماندهی یوشع بن نون علیه السلام تصمیم به تصرف شام را گرفتند. حاکم آن ناحیه از بلعم باعورا، که دانشمندی قلابی بود درخواست کرد که راهی برای شکست لشکر بنی اسرائیل به او نشان دهد. بلعم به آنان گفت که تنها عامل شکست این لشکر زنا! است. شما زنان هرزه را به عنوان خرید و فروش، میان لشکر بنی اسرائیل بفرستید و به آنها اجازه بدهید که خود را در اختیار مردان لشکر بگذارند.

1- نهج البلاغه حکمت 305

2- بحارج 79 ص 24

3- بحارج 79 ص 32

4- سفینه البحار ج 2 ص 44.

دستور بلعم اجرا شد و زنان هرزه در بین لشکر یوشع رفت و آمد می نمودند و به فسق و فجور با لشکریان مشغول شدند. طولی نکشید که در اثر این تماسهای نامشروع، مرضی خطرناک در بین

لشکریان پیدا شد و در فاصله چند روز هزاران نفر را کشت! این وضع ادامه داشت تا اینکه یکی از افراد غیرتمند لشکر، نیزه خود را بدست گرفت و به زن و مردی که در حال زنا بودند، حمله کرد و آنان را کشت و اعلام کرد هر که را در حال عمل نامشروع ببایم، او را می کشم! لشکریان از ترس جان، از زنان مذکور فاصله گرفتند و در نتیجه آن مرض مهلک از میان رفت و لشکر بنی اسرائیل توانست شام را فتح و تصرف کند.⁽¹⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : غضب خدا شدید است بر زن شوهر داری که چشمش را از نگاه به نامحرم پر کند که اگر این کار را کند همه اعمالش (اعمال خوب) نابود می شود . و اگر در بستر غیر شوهرش بخوابد، بر خداوند سبحانه لازم است که او را بعد از عذاب در قبر به آتش بسوزاند.»⁽²⁾

«امام صادق علیه السلام فرمود: روز قیامت، زن زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می کرده است، می آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: خدایا! تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت مریم (س) از تو زیبا تر بود ولی او فتنه نکرد! سپس مرد زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می نموده است، رامی آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت یوسف از تو زیبا تر بود . ولی به فتنه نیافتاد . بعد شخصی را که بخاطر بلاها و سختیها به فتنه افتاده بود را می آورند . به او خطاب می شود که: چرا تحمل سختیها ننمودی و به فتنه افتادی؟ جواب می دهد که: تو سختیها و بلاها را بر من نازل کردی و من به فتنه افتادم! به او خطاب می شود که: بلاهای حضرت ایوب علیه السلام از تو بیشتر بود ولی او به فتنه نیافتاد.»⁽³⁾

«امام صادق علیه السلام : عذاب کسی که نطفه اش را در رحم زن نامحرم بریزد از همه بیشتر است.»⁽⁴⁾

«روز قیامت زناکار را وارد جهنم می کنند و قطره ای از عورتش می چکد که از بوی آن تمام اهل جهنم دچار ناراحتی می شوند! جهنمیان به

1- چشم، نگاه و...

2. بحار ج 76 ص 366

3. بحار، ج 12/341

4. اصول کافی ج 5/541

نگهبانان جهنم می گویند: این بوی بد مال کیست که مارا اذیت کرده است؟ به آنها گفته می شود: این بوی زناکاران است.⁽¹⁾

ای زنان و دختران مصرما	بردگان غرب شوم عصرما
هان مپندارید عالم سرسری است	بعد این عالم، جهان دیگری است
که در آن بی عفتان رسواترند	مبتلا بر خشم وقهر داورند ⁽²⁾

احکام انواع زنا

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِكَيْ شَهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»⁽³⁾ «2»

زن و مرد زناکار را صدضربه شلاق بزنیید و اگر ایمان به خدا و قیامت دارید، در مورد آنها دلرحمی ننمائید و عده ای موقع اجرای حکم شاهد باشند.

1-زناى مرد مجرد با زن مجرد

حد شرعی آن در صورت ثبوت در نزد حاکم شرع، صدضربه شلاق در دفعه اول تا سوم و در دفعه چهارم کشتن است.

2- زنای مرد زن دار «محصن» با زن شوهر دار «محصنه»

زن و مرد سنگسار می شوند.

3- زنای مرد زن دار «محصن» با زنی مجرد

مرد سنگسار و زن صدضربه شلاق می خورد.

4- زنای مرد مجرد با زن شوهر دار «محصنه»

مرد صدضربه شلاق می خورد و زن سنگسار می گردد.

5- موارد چهارگانه فوق با اجبار و تجاوز مرد

مرد در هر صورت کشته می شود. وزن در صورت ناراضی بودن حدی ندارد.

«امام باقر علیه السلام: هر که در ساعت واحدی با زنان مختلف زنا کند، برای

1. بحارج 244/8

2. مثنوی عفاف

3. نور 2

هر کدام یک حد جداگانه دارد.»⁽¹⁾

زشت بودن لواط (هم جنس بازی) در اسلام

لواط در ادیان الهی مخصوصاً در اسلام مردود و ولواط کار مورد لعن الهی است.

خداوند در چند جای قرآن از جمله در سوره هود آیه 70 تا 89 و در سوره حجر آیه 59 تا 61 و در سوره شعراء آیه 160 و در سوره عنکبوت آیه 26 و در سوره قمر آیه 33 به مسئله قوم لوط و عذابی که بر آنها وارد شد اشاره می‌فرماید. از جمله اینکه در آیه 165 شعراء

می‌فرماید:

«أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ» 165 «وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ» 166 «

لوط به قومش گفت: آیا شما در میان جهانیان سراغ مردان (برای عمل جنسی) می‌روید و زن‌ها را رها می‌کنید؟ بلکه شما قومی تجاوزگر می‌باشید!

سپس در آیات بعد به عاقبت این قوم اشاره می‌نماید: «أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ» 173 «
«شعراء 173

باران (باران سنگ) بر آنها بارانیدیم که بد بارانی برای نصیحت شوندگان بود!

«حضرت رسول (ص) فرمود: وقتی قوم لوط این کارهای زشت را کردند، زمین آنقدر گریه کرد تا اینکه اشکش به آسمان رسید و آسمان آنقدر گریه کرد تا اشکش به عرش رسید. پس خدا به آسمان فرمود: آنها را سنگباران نما! و به زمین فرمود: آنها را فروبیر!»⁽²⁾

«حضرت رسول (ص) فرمود: هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش نماید، عرش خداوند از این عمل به لرزه می‌افتد.»⁽³⁾

«امام صادق (ع) فرمود: آنها که تن به لواط می دهند، بازماندگان سدوم (قوم لوط) می باشند. من نمی گویم فرزندان آنها هستند ولی از طینت و سرشت آنها می باشند.

سؤال شد: همان شهر سدوم که زیرو رو شد؟ فرمود: آری چهار شهر

1. مسالك الافهام ج 2 ص 341

2- تفسیر نمونه ج 9 ص 194

3- همان

بودند: سدوم، صریم، لدنا و غمیرا⁽¹⁾

«از امام صادق (ع) سؤال شد چرا خدا لواط را حرام کرد؟ فرمود: زیرا اگر آمیزش با پسران حلال بود، مردان از زنان بی نیاز می شدند و این باعث قطع نسل انسان می شد و باعث از بین رفتن آمیزش طبیعی جنس موافق و مخالف می گشت و این کار مفاسد زیاد اخلاقی و اجتماعی ببار می آورد.»⁽²⁾

«در سفینه البحار آمده است که قوم لوط در مجالس خود انواع کارهای زشت را انجام می دادند از جمله فحشهای رکیک و کلمات زننده باهم رد و بدل می کردند. با کف دست بر پشت هم می زدند. قمار می کردند و بازیهای بچه گانه انجام می دادند و سنگ به عابران پرتاب می نمودند و انواع آلات موسیقی را بکار می بردند و در حضور جمع، بدن خود را برهنه و کشف عورت می نمودند.»⁽³⁾

رسول خدا ص فرمود: فتنه جوان زیبای امرد از فتنه دختر باکره بیشتر است!⁽⁴⁾

و باز فرمود: کسی که جوانی را از روی شهوت ببوسد خداوند او را در جهنم هزار سال عذاب می‌کند.⁽⁵⁾

«امام صادق علیه‌السلام فرمود: ناروایی لواط از زنا بیشتر است زیرا خداوند سبحان قومی را بخاطر لواط نابود نمود ولی هیچ فردی را بخاطر زنا هلاک نکرد.»⁽⁶⁾

لواط و یا همجنس بازی که گناه آن عظیم است، عوارض زیادی بر جای می‌گذارد که تا آخر عمر گریبان گیر شخص می‌شود. این عمل منشأ قتل، هیجان، اضطراب روحی، دیوانگی، خودکشی و هزاران مفسده اخلاقی است. سزای لواط کننده قتل است و این گونه اشخاص اگر بدون توبه از دنیا بروند، با قوم لوط محشور می‌شوند.

«امام صادق علیه‌السلام: زن وشوهری را نزد امیرمؤمنان علیه‌السلام آوردند که شوهر با

1-تفسیر نمونه ج 9 ص 194

2-همان

3-همان ص 198

4-وسائل، باب نکاح باب 21 ص 43

5-مستدرک، کتاب نکاح باب 17 ص 57

6. الحکم الظاهره ص 304

پسر آن زن-از شوهر دیگرش-لواط کرده بود و به شهادت شهود، دخول کرده بود. امام دستور داد مرد با ضربات شمشیر به قتل برسد و آن نوجوان نیز کمتر از میزان حدّ، تازیانه بخورد.⁽¹⁾

«امام صادق علیه السلام: مردی را همراه پسر نوجوانی که با او لواط کرده بود، نزد امیرمؤمنان علیه السلام آوردند و بینّه نیز علیه آنها به این عمل زشت شهادت داد. امام فرمودند: ای قنبر! نطع و شمشیری بیاور! آن گاه مرد و نوجوان با صورت روی آن فرش پوستی قرار داده شدند. سپس امر فرمود آن دو را با شمشیر به دونیم کردند.⁽²⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسی که با نوجوانی لواط کند، روز قیامت جُنُب محشور می شود و همه آبهای دنیا هم نمی تواند او را پاک کند!»⁽³⁾

امام باقر علیه السلام: قوم لوط بهترین قوم بودند. اما ابلیس سراغ آنها رفت. خصلت آنها این بود که همه مردها برای کارهایشان از محل خارج می شدند و زن ها در محل باقی می ماندند. ابلیس خود را به صورت نوجوانی درآورد و کشت و کشاورزی آنان را خراب می کرد تا اینکه او را دستگیر کردند و قرار شد که فردا او را مجازات نمایند. شب او را نزد یکی از خودشان گذاشتند. موقع خواب نوجوان -ابلیس- شروع به گریه کرد. میزبان علت گریه اش را پرسید. او گفت من شب ها وقتی می خوابیدم روی سینه پدرم می خوابیدم! میزبان هم او را روی سینه خود خواباند و ابلیس آن شب کاری کرد که میزبان با او لواط نمود. فردا میزبان قضیه را برای مردها تعریف کرد و آنها هم به لواط راغب شدند و این چنین بود که هم جنس بازی میان مردها رسم شد. ابلیس سپس سراغ زن ها رفت و این عمل ننگین و خلاف فطرت را بین آنها رسم نمود. تا این که عذاب الهی آنان را فرا گرفت.⁽⁴⁾

بعضی از احکام جنسی

1- اگر پسری را از روی شهوت ببوسند از سی تا نود شلاق به او حد می زنند.

2- اگر دومی در یک بستر و زیر یک لحاف بخوابند و هر دو عریان باشند، تا صد شلاق می خورند.

1. وسائل الشیعة 156/28

2. وسائل الشیعة 156/28

3. اصول کافی ج 5/544

4. تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 376.

3- نگاه شهوانی به هم جنس هم جزو گناهان است و وعده آتش بر آن داده شده است.

4- مادر و خواهر و دختر مفعول در لواط، بر فاعل در لواط، حرام ابدی می شوند و فاعل نمی تواند با آنها ازدواج کند.

5- فرد زناکار از نظر اسلام صلاحیت قضاوت، شهادت در دادگاه، امامت جماعت، مرجعیت و اجتهاد و... ندارد.

استمناء و استشهاء

استمناء عمل جنسی است که شخص بمنظور آمدن منی و به لذت رسیدن جنسی انجام می دهد.

برای این عمل در پسران اصطلاح استمناء و در دختران استشهاء بکار می رود.

«رسول خدا (ص): مساحقه کردن زنها باهم زنا محسوب می شود.»⁽¹⁾

«علی (ع): مساحقه در بین زنان همانند لواط در بین مردان است.»⁽²⁾

«مجازات استمناء و استشهاء تعزیر است و مقدار آن بستگی به نظر قاضی دارد»

ضررهای جسمی و روحی استمناء و استشهائ

پزشکان و دانشمندان این آثار را برای کسانی که استمناء می نمایند، ذکر کرده اند:

1- زردرنگی و یا پریدگی رنگ

2- اختلال جهاز هاضمه و ابتلا به یبوست و بی اشتهایی

3- کم شدن قوه هوش و حافظه و قوای مغزی

4- کم خونی

5- لاغری و توقف رشد

6- رعشه و ضعف اعصاب

7- ضعف و بی فروغی چشمها

8- سرگیجه

9- مرضهای سل، نفرس و روماتیسم

10- تنفر از ازدواج

«امام صادق(ع): سه دسته هستند که خدا در قیامت با آنان سخن نگوید و آنان را مورد رحمت قرار نمی دهد از جمله کسیکه با دست خود استمناء کند و کسیکه در عمل لواط، مفعول واقع شود.»⁽³⁾

1- مستدرک الوسائل ج 2 ص 570

2- همان

3- الحکم الظاهره ص 30

«رسول خدا (ص): کسیکه با دست استمناء کند، ملعون است.»⁽¹⁾

عقوبت‌های محرمات جنسی در دنیا

«امام صادق (ع): از جمله گناهانی که روزی را حبس می‌کند، زنا است.»⁽²⁾

«امام علی (ع): زنا فقر را به ارث می‌گذارد.»⁽³⁾

«رسول خدا (ص): چهار چیز داخل خانه‌ای نمی‌شود الا آنجا را خراب می‌کند و برکت هم آنجا را

آباد نمی‌کند: خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا!»⁽⁴⁾

«امام باقر (ع): در کتاب رسول خدا دیدیم که: هرگاه بعد از من زنا ظاهر شود، مرگ ناگهانی هم زیاد

می‌شود.»⁽⁵⁾

«علی (ع): کافر و ولد الزنا دوستدار من نخواهند بود.»⁽⁶⁾

آثار محرمات جنسی در آخرت

«امام صادق (ع): سه دسته هستند که خدا در قیامت با آنان حرف نمی‌زند و آنان را پاک نمی‌کند

و برای آنان عذابی دردناک است از جمله آنها زنی است که در بستر شویش زنا می‌کند»⁽⁷⁾

«رسول خدا(ص): کسیکه با زن شوهردار زنا کند، در قیامت از عورت هردو، چرکی به مسیر پانصدسال خارج می شود که تمام اهل جهنم از بوی بد آن اذیت می شوند و عذابشان از همه بشتر است.»⁽⁸⁾

روایت شده: کسیکه با زنی یهودی یا نصرانی یا مجوس یا مسلمانی
یا از مذهب دیگری، زنا کند خداوند در قبرش، سیصد هزاردر از جهنم و

1- مستدرک الوسائل ج 2 ص 570

2- بحارج 79 ص 22

3- بحارج 79 ص 23

4- بحارج 79 ص 23

5- کافی ج 2 ص 374

6- بناء المقالة الفاطمية (سید بن طاووس) ص 520

7- ثواب الاعمال ج 2 ص 315

8- بحارج 76 ص 366

آتش بر او باز می کند!⁽¹⁾

عمر دستور داد که غلامی که ارباب خود را کشته بود، را بکشند.

علی(ع) خبر دار شد. غلام را خواست و به او فرمود: چرا اورا کشتی؟ گفت: بزور بامن لواط کرد! علی(ع) از اولیاءمقتول پرسید: اورا دفن کردید؟

گفتند: آری! الان اورا دفن کردیم. امام فرمود: بروید و سه روز دیگر نزد من

بیایید! و به عمر فرمود: غلام را زندانی کن!

بعد از سه روز، علی(ع) باتفاق عمر بر سر قبر مقتول رفتند و قبر

اورا شکافتند. ناگاه کفنش را بدون جسد یافتند! علی(ع) تکبیر گفت و فرمود: واللّه دروغ نگفته ام! بخدا سوگند! از رسول خدا(ص) شنیدم که

فرمود: هر شخصی از امت من لواط کند و بدون توبه بمیرد، اورا سه روز بعد از دفن مهلت می دهند و سپس زمین اورا فرو می برد تا به قوم لوط

رساند و با آنان محشور شود!⁽²⁾

«رسول خدا(ص): کسیکه با زنی نامحرم، از دبر نزدیکی نماید یا با مردی یا نوجوانی لواط

کند، روز قیامت، بدبو تر از مردار، محشور می شود، و اهل محشر از بوی او ناراحتند و از او معذرتی قبول نمی گردد، سپس به جهنم می رود و همه اعمالش باطل می شود. در جهنم اورا در تابوتی که میخ های آن از آهن است، گذاشته می شود و بر تابوت فرو می کنند، تا میخها در بدنش فرو می رود و اگر عرق اورا بر چهارصد امت قرار دهند، همه می میرند و او از کسانی است که عذابش از همه بیشتر است!

کسیکه با زن نامحرمی دست بدهد، با غل و زنجیر محشور شده و به جهنم برده می شود!

کسیکه با زن نامحرمی، شوخی کند، با هر کلمه ای که با او سخن

بگوید، هزار سال زندانی می شود و زن اگر راضی باشد و مرد را وادار به

بوسیدن یا مباشرت حرام یا شوخی با او کند، و مرد به این سبب، دچار

فحشاء شود، همین عذاب برای زن هم می باشد!

کسیکه چشمش را خیره بر زن نامحرم نماید، در قیامت در حالیکه

1- میزان الحکمۀ

2- مجمع المعارف و مخزن العوارف

میخهای آتشین بر چشمش فرو شده، محشور می شود و تا پایان حساب، به همین حالت است تا به دوزخ برده شود! ⁽¹⁾

«امام صادق (ع): در روز قیامت، زنانی را که باهم مساحقه کرده اند،

در حالیکه لباسهایی از آتش در بر و مقنعه ای از آتش بر سر و عمودی از آتش در فرج آنهاست، آورده و وارد دوزخ می کنند! ⁽²⁾

«علی (ع): هر که لواط کند، روز قیامت، جُنب محشور شده و آبهای دنیا او را پاک نکند و خدا بر او غضب و لعنت کند و جهنم را برای او آماده کند! ⁽³⁾

«رسول خدا (ص): روز قیامت، خدا با سه دسته سخن نمی گوید و

به آنان نظر - لطف - نمی کند و اعمال آنان را تزکیه نمی نماید و برای آنان

عذابی دردناک است: پیرزنا کار، پادشاه ستمکار، آدم خودرأی و متکبر! ⁽⁴⁾

«روز قیامت زناکار را وارد جهنم می کنند و قطره ای از عورتش می چکد که از بوی آن تمام اهل جهنم دچار ناراحتی می شوند! جهنمیان به نگهبانان جهنم می گویند: این بوی بد مال کیست که ما را اذیت کرده است؟ به آنها گفته می شود: این بوی زناکاران است.»⁽⁵⁾

بازدید از جهنم در سفر معراج!

«رسول خدا(ص): در معراج از جهنم دیدار کردم و گروهی از زنها را دیدم که به پستانشان آویزان کرده بودند! جبرئیل گفت: اینها زناکار بوده اند. عده ای را دیدم که بانخ و سوزن آتشین، بدنهایشان را می دوختند! جبرئیل گفت: اینها نیز زناکار بوده اند... زنی را دیدم که بموی سرش آویزان کرده بودند! و مغز سرش را می جوید! جبرئیل گفت: این زن موی خود را از نامحرم نمی پوشانده است!... زنی را به پاهایش آویخته بودند! جبرئیل گفت: این زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون

1- از عالم بعد از مرگ چه خبر؟ ص 46-بحارج 7

2- از عالم بعد از مرگ چه خبر؟ ص 50-مجمع المعارف ومخزن العوارف

3-مجمع المعارف ومخزن العوارف

4-بحارج 7

5-بحارج 8

می رفته است. زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد! جبرئیل گفت: این زن بدن خود را برای دیگران آرایش می کرده است! زنی را دیدم که پاهایش را بدستهایش بسته بودند و مار و عقرب بر او مسلط بودند! جبرئیل گفت: این زن غسلهای خود را نمی کرده است! زنی را دیدم که گوشت بدنش را

مقراض می کردند! جبرئیل گفت: این زن خود را به مردان عرضه می کرده است! شخصی را دیدم که صورت و بدنش را می سوزانیدند و روده های خود را می خورد! جبرئیل گفت: این شخص واسطه زنا بوده است!...»⁽¹⁾

ای زنان و دختران مصرِ ما	بردگان غرب شوم عصرِ ما
هان میندارید عالم سرسری است	بعد این عالم، جهان دیگری است
که در آن بی عفتان رسواترند	مبتلا برخشم و قهر داورند ⁽²⁾ .

ولدا الزنا

فرزندان حرام باید عقوبت پدران و مادران زناکار خود را بگشند و صفات زشتی را که اگر از راه حلال متولد می شدند، در آنها نبود، حال در آنها پیدا می شود.

«امام صادق (ع): علامت حرام زاده چند چیز است: دشمنی با اهل بیت (ع)، میل به زنا، سبک شمردن دین، بد محضری برای مردم (مردم از حضور و ناراحت می شوند)»⁽³⁾

«امام باقر (ع): سه دسته نمازشان قبول نمی شود از جمله دیوث که مردی را گویند که زنش زناکار است.»⁽⁴⁾

در کشورهای غربی از هر دو یا سه فرزند یکی حرام زاده است و بعد این فرزندان بزرگ شده بعضا به مسئولیتهای دولتی می رسند آنوقت نسبت به مسلمانان و مظلومان جنایتهای فراوانی انجام می دهند زیرا فرزندان حرام، میل به جنایت مخصوص در حق انسانهای مؤمن و خداجو دارند.

یا اینکه این فرزندان وقتی بزرگ می شوند باندهای فساد و فحشاء و قاچاق و آدمکشی و غیره راه اندازی می کنند و از

1- زندگانی پیامبر اسلام

2- مثنوی عفاف

3- بحارج 75 ص 279

4- بحارج 79 ص 115

این راه باطن خبیث خود را نشان می‌هند

گناهان حق الناس

حق الله وحق الناس از مهمترین حقوقی است که در مدت عمر انسان به گردن هر انسانی می آید. **حق الله** یعنی عبادات و تکالیفی که شخصی است و مربوط به رابطه بین انسان با خداست. مانند نماز و روزه و حج و جهاد و امثال آن. اما **حق الناس** مربوط به ارتباط بین انسان با دیگران است. که این حق گاهی از راه صحیح و حلال برگردن انسان می آید مانند اینکه قرض کند و یا نسیه بیاورد و یا امانتی قبول کند. و گاه از راه ناصحیح و حرام برگردن انسان می آید مانند اینکه دزدی نماید یا غضب کند و یا از راه ظلم، حق به گردنش بماند.

نجات از حق الله از نجات از حق الناس آسان تر است. زیرا پروردگار عالم گاه با یک بهانه انسان را می آمرزد.

امام باقر (ع): عابدی هشتاد سال عبادت کرد ولی بر اثر تماس با زنی نامحرم، مرنکب زنا گردید! در « وقت مردن زبانش لال شده بود. در همان موقع فقیری عبور می کرد. عابد با اشاره به فقیر فهماند که از سفره او نان بردارد. فقیر نان را برداشت و رفت. خدا بخاطر زنای او، عبادت های هشتاد سالش را باطل کرد ولی بخاطر این نان، او را بخشید.»

ولی حق الناس تا ادا نشود انسان نجات پیدا نمی کند.

موارد حق الناس:

1- مالی را پیدا کرده ولی به صاحبش نرساند.

2- غصب اموال دیگران

3- دزدی در انواع مختلف

4- قرض کند و ندهد

5- مهریه زن را ندهد.

6- امانت را برنگرداند

7- کلاهبرداری نماید

8- زمین دیگران را تصرف کند

9- گرانفروشی و احتکار

10- در شرکتی کار می کرده و از اموال آن بر می داشته

11- از کارش می دزدیده

12- پولی که بنا بود در مسجد خرج کند برای خود برداشته

13- خمس و وجوهات دیگر را به جای اینکه به دفاتر مراجع بدهد برای خود برداشته

14- زکات مصرف می کند ولی مستحق نیست

15- وامی که مستحق بوده گرفته

16- امتیازی که مال دیگران بوده با زرنگی برای خود برداشته

17- کم فروشی و تقلب نموده

18- می تواند از بیت المال با پول کمتری برنامه ای را انجام دهد زیاده روی کرده {سمینارهای پرهزینه}

19- وسیله بیت المال را بدون اجازه استفاده شخصی نموده

20- از میوه های باغات بی اجازه استفاده کرده

21- وسایل دیگران را از بین برده و اطلاع نداده

22- در پیاده رو سد معبر نموده

23- از تلفن و گاز و امثال آن مربوط به مردم بی اجازه استفاده کرده

24- رباخواری

25- دیه ای که به گردنش آمده و نپرداخته

26- سیلی که به صورت مسلمانی به ناحق زده

27- آبروی کسی را برده

28- آبروی خانواده کسی را برده

29- شهادت دروغ داده

30- قضاوت بناحق کرده

و...

از جمله حق الناس:

فحاشی و ناسزا به مردم

«امام صادق(ع): فحش دادن ظلم است و ظالم در آتش جهنم است»

انواع فحش 1- ناسزا به ناموس

2- خطاب کردن به اسم حیوان

3- بوسیله کاریکاتور و نقاشی اهانت کردن

4- با اشاره توهین کردن

و...

هر بدبه خود نمی پسندی با کس مکن ای برادر من

گرمادر خویش دوست داری دشنام مده به مادر من

مسخره کردن دیگران

از جمله حق الناس ، مسخره کردن و استهزاء دیگران است. مسخره کردن از این جهت ناپسند

است که باعث توهین به دیگران می شود.

گاهی مسخره کردن در مورد مسائل مالی است. مانند مسخره کردن بعضی از مردان و زنان

پولدار، فقیران و بی بضاعتان را.

«پیامبر (ص): کسیکه مؤمنی را ذلیل کند و یا بخاطر فقرش او را تحقیر نماید، خداوند او را در کنار پل جهنم رسوا می سازد.»

گاهی استهزاء در مورد مسائل سیاسی است

انواع مسخره گی 1- موارد اخلاقی

«مثلا می گوید فلان شخص بخیل است!»

2- موارد اعتقادی

«مجرمین کسانی هستند که در دنیا مؤمنین را مسخره می کردند و به آنان می خندیدند و هرگاه به مؤمنین بر می خوردند با گوشه چشم به آنان طعنه می زدند... (روز قیامت) مؤمنین، کفار را مسخره می کنند.» مطففین 29

3- در مورد قیافه و اندام افراد

«مثلا می گوید فلانی کوتاه قد است!»

عیبجوئی

بعضی از انسانها عادت به تجسس در عیبهای مردم و بازگو کردن این عیبهای برای دیگران دارند.

در حالیکه اگر نسبت به عیبهای خود تأمل کنند، متوجه می‌شوند که خود دارای عیوب متعدد بوده و باید خود را مداوا کنند.

«پیامبر (ص): بدنبال لغزشهای مؤمنین نباشید که هر که بدنبال این مطلب باشد، خداوند عیبهای او را آشکار کند»

مرد باید که عیب خود بیندبر ره زور و غیبه ننشیند

تو اگر عیب خود همی دانی نه‌ای عامی بل جهانبانی «سنائی»

«پیامبر (ص): بدنبال عیوب مؤمنین نباشید که هر که اینگونه باشد، خدا بدنبال عیبش باشد و هر که خدا بدنبال عیبش باشد، رسوا می‌شود اگر چه در دل خانه‌اش باشد!»

افشاء اسرار

از خصوصیات خوب، بازگونکردن اسرار دیگران است. در سخنان بزرگان دین، از اسرار مؤمن به عورت تعبیر شده است. یعنی همانطور که حفظ عورت از نگاه دیگران واجب و لازم است، حفظ اسرار مؤمن نیز لازم می‌باشد.

انواع اسرار

1- اسرار خانوادگی

2- اسرار نظامی

3- اسرار اقتصادی

4-اسرار علمی

5-اسرار سیاسی

6-اسرار مذهبی و دینی

7-اسرار فرهنگی

که رازها و اسرار نظامی و سیاسی از بقیه مهم تر بوده و گاهی افشاء آنان باعث از بین رفتن جان صدها نفر و شکست حکومتی خواهد شد. که در این موارد جرم افشاء کننده بسیار بزرگ است.

«در یکی از جنگهای صدر اسلام، وقتی که سپاه اسلام برای یورش به مشرکین مکه آماده می شد و رسول خدا دستور داده بود تا خبر این حمله محرمانه بماند، یکی از مسلمانان خبر این حمله را به ابوسفیان اطلاع داد. در این مورد این آیه نازل شد: «ای مؤمنین! به خدا و رسول و پیمانهایتان خیانت ننمائید!» انفال 27

«امام صادق (ع): کسی که اسرار ما را فاش کند، گویا ما را به قتل رسانده است»

«امام صادق (ع) در تفسیر آیه «پیامبران را به ناحق می کشند» فرمود: بخدا سو گند! پیامبران را با شمشیر نکشتند، بلکه اسرار آنان را فاش کردند و آنها کشته شدند.»

بعضی از حافظین اسرار «وقتی قیس بن مسهر، سفیر امام حسین (ع) برای مردم کوفه، توسط مأمورین دشمن محاصره شد، نامه امام را پاره کرد و خورد. وقتی او را دستگیر کردند، برای اینکه اسرار امام را فاش کند او را شکنجه کردند ولی او لب به سخن نگشود و عاقبت او را بشهادت رساندند.»

کینه توزی

رسول خدا(ص): «از لغزش های یکدیگر بگذرید و عفو کنید تا کینه های بین شما از بین برود.»

رسول خدا(ص): «کسیکه زیاد عفو کند، عمرش طولانی خواهد بود و کسیکه عدالتش گسترده است، بر دشمنش پیروز می شود.»

رسول خدا(ص): «از جمله کارهایی که مؤمن اگر داشته باشد، از هر دری که بخواهد داخل بهشت می شود، گذشت و عفو قاتل است.»

امام محمد باقر(ع): «اگر عفو کنی و پشیمان شوی، بهتر است از اینکه انتقام بگیری و پشیمان شوی!»

خوردن مال یتیم

قبض روح سه دسته !

حضرت رسول(ص) به علی(ع) فرمود: سه دسته هستند که عزرائیل، آنها را با میل سرخ کرده از آتش جهنم، قبض روح می کند:

مال یتیم خور! حاکم ستمگر! و کسیکه شهادت به ناحق بدهد! 21

«هرگاه برای امام رضا(ع) سفره می انداختند، امام ابتدا ظرف غذایی برای فقرا می فرستادند و می فرمودند: «فلا اقتحم العقبة» یعنی کسانی از قیامت نجات می یابند که برده آزاد کنند یا به یتیم اکرام نمایند. «منتهی الامال ج 2 ص 463»

حضرت رسول(ص) در روایتی در مورد جهنم فرمودند: 1- در جهنم دیدم که عده ای در مقابلشان گوشت پاکیزه و گوشت مردار است! ولی فقط از مردار می خورند! از جبرئیل علت را پرسیدم. فرمود: اینها در دنیا حرام خوار بوده اند! 2- جماعتی را دیدم که لبهای آنان مانند شتر بود و ملائکه از گوشت پهلوی آنان بریده و در دهانشان می گذاشتند که اینها عیبجو بودند 3- گروهی را دیدم که سرشان را می کوبیدند که اینها نماز عشاء نمی خواندند. 4- گروهی را دیدم که ملائکه آتش بدانشان انداخته و از مقعدشان در می آمد! اینها مال یتیم خور بودند. 5- عده ای را دیدم که شکمشان آنقدر بزرگ بود که نمی توانستند، برخیزند! اینها ربا خوار بودند. 6- عده ای از زنها را به پستانشان آویزان کردن بودند! اینها زنا کار بودند. 7- عده ای را دیدم که با نخ و سوزن آتشین، بدنهایشان را می دوختند! اینها هم زنا کار بودند. 8- مردی را دیدم که می خواست پشته هیزمی را بردارد و نمی توانست! با این حال برپشتش هیزم می گذاشت! او قرضدار بوده است. 9- زنی را دیدم که به موی سرش آویزان کرده و مغز سرش را می جوید! این زن موی سر خود از نامحرم نمی پوشانده است. 10- زنی را دیدم که به زبانش آویزان کرده بودند! او در مقابل شوهرش زبان درازی می کرده است. 11- زنی را به پاهایش آویخته بودند! این زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می رفته است. 12- زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد! این زن خود را برای دیگران آرایش می کرده

است. 13- زنی را دیدم که پاهایش را بدستهایش بسته بودند و مار عقرب بر او مسلط بودند! او غسلهایش را نمی کرده است. 14- زنی را دیدم که گوشت بدنش را می بریدند! او خود را به مردان عرضه می نموده است. 15- شخصی را دیدم که صورت و بدنش را می سوزانیدند و روده های خود را می خورد! او واسطه زنا بوده است. 16- کسی را دیدم که سرش مثل خوک و بدنش مثل الاغ بود! او سخن چینی می کرده است. 17- کسی را دیدم که صورتش مثل سنگ بود و آتش بر او وارد می کردند! او خواننده و حسود بوده است و...»

ربا خواری

رسول خدا (ص) فرمود: «هرگاه در بین ائمت ده خصلت ظاهر شود، خداوند آنها را به ده چیز کیفر می دهد!

سؤال شد: آنها کدامند یا رسول الله!

فرمود: هنگامی که دعا کم کنند، بلا نازل شود، هنگامی که صدقات را ترک کنند، بیماریها زیاد شود، هنگامی که زکات ندهند، حیوانات بمیرند، هنگامی که حام ظلم کند، باران قطع شود، هنگامی که زنا زیاد شود، سگته هم زیاد شود، هنگامی که رباخواران زیاد شوند، زلزله هم زیاد شود، هنگامی که خلاف حکم الهی، حکم کنند، خداوند دشمنانشان را مسلط کند، هنگامی که عهد و پیمان را نقض کنند، خداوند آنها را به قتل مبتلا سازد، هنگامی که وزنهای و ترازوها را کم بگیرند، خداوند آنها را به قحطی مبتلا سازد.»

ستمگری

- امام علی : ستمگری پست ترین رذایل است.
- ستمگری در دنیا مایه نابودی است و در آخرت مایه هلاکت.
- ستمگری قدم را می لغزاند ، نعمتها را سلب می کند و ملتها را به نابودی می کشاند.
- ستمگری ، پیامدهایی مهلک دارد.
- به پیشگاه خدا ستمدیده وارد شوید و ستمگر وارد نشوید.
- هر که به بندگان خدا ستم کند، خداوند به جای بندگانش خصم و مدعی او باشد.
- چه بد توشه ای است برای آخرت ستم و تجاوز به بندگان.
- از خدا بترسید ، درباره عاقبت ناگوار ستمگری در دنیا و آخرت و از فرجام بد کبر و نخوت.
- در خطبه ای که ضمن آن از بیدادگری بیزاری می جوید ، می فرماید : به خدا سوگند اگر روی اشتر خار بیدار مانم و مرا بسته در کند و زنجیر بکشانند ، خوشتر دارم از این که در شب را
- روز قیامت با دامنی آلوده به ستم بر یکی از بندگان خدا یا غصب کمترین چیزی از حطام دنیا بر خدا و رسول او وارد شوم.
- می رود و روزگاران درازی در زیر خاک می ماند ، بر کسی ستم کنم؟.
- نیز در همین خطبه ، می فرماید : به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با هر آنچه در زیر افلاک آن است به من دهند ، بدین شرط که با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه ای نافرمانی خدا کنم ، هرگز چنین نخواهم کرد.

ملا محمد اشرفی

خود گوید زمانی حاکم بارفروش ظلم زیادی به مردم کرد. من یک روز بعد از نماز ظهر دست به دعا برداشتم که خدایا! اگر من به شریعت تو خدمتی کرده ام و من نزد تو احترامی دارم ، من این حاکم را عزل نمودم.

پس از چند روز خبر عزل حاکم رسید و معزول شد.

یحیی بن ام طویل⁽³⁾ یکی از یاران پنج گانه وفادار امام سجاده (ع) بود

حجاج ستمگر، کسی را که کوچک ترین نسبتی با امیرمؤمنان (ع) داشت، یا متهم به دوستی آن حضرت بود، می گرفت و به زندان می افکند یا او را با طرز فجیعی به قتل می رسانید، ولی یحیی با ایمان از حجاج نترسید، مرگ در نظر مردان باایمان وفداکار، ارزشی ندارد، حجاج او را احضار کرد و به دشنام دادن به امیرمؤمنان (ع) امر نمود، یحیی نپذیرفت و به امر او اعتنایی نکرد، حجاج فرمان داد دست های یحیی را بریدند، یحیی استقامت کرد، فرمان داد پاهای یحیی را جدا کردند، یحیی باز استقامت ورزید و خم به ابرو نیاورد، پس از آن، یحیی را به قتل رسانید

سید مهدی بحر العلوم چرا از برو جرد مهاجرت کرد؟

نقل شده است که روزی حاکم برو جرد بدیدار پدر سید بحر العلوم رفت. بعد از ملاقات و در هنگام مراجعت، در حیاط خانه چشمش به بحر العلوم که کودکی بود، افتاد. پدر سید او را به حاکم معرفی نمود و حاکم ایستاد و اظهار مهربانی زیادی نسبت به سید کرد و رفت.

بعد از رفتن حاکم، سید نزد پدرش رفت و گفت: باید مرا از این شهر ببری که می ترسم به هلاکت بیافتم!

پدرش سبب را پرسید و سید گفت: زیرا از وقتی که حاکم نسبت بمن محبت نمود، قلبم به او مایل شده است و آن بغض و دشمنی که باید نسبت به حاکم ظالم داشته باشم، ندارم! دیگر اینجا جای ماندن نیست.

و به این دلیل سید از برو جرد هجرت نمود.

رشوه خواری

کارمندی که در مقابل انجام یا عدم انجام کاری برای ارباب رجوع مالی را از وی قبول می کند یا ملک او را به بهایی بسیار کمتر از قیمت واقعی آن می خرد مرتشی و طرف و رشا و ارتشا از جرایم .مقابل راشی محسوب می شود مطلق به شمار می روند و تحقق آن ها منوط به تحقق نتیجه و از جرایم عمومی است و نیاز به شاکی خاصی نیست .خصوصی ندارد

رشوه چیست؟

گفته **ارتشا** در قانون ایران رشوه یکی از مهم ترین و پر بحث ترین جرایم حوزه کیفری محسوب می گردد و به آن می شود، علت این امر آن است که در این نوع جرم هر دو طرف به نوعی مجرم می باشند و قانون گذار برای هر یک از مجازات در نظر گرفته است **رشوه دهنده چه رشوه گیرنده** این افراد چه

قانون در ماده ۳ تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری در خصوص بحث رشوه بیان داشته است که هر کدام از افراد دولتی اعم از حوزه قضایی و اداری و سازمان های دولتی که وابسته به دولت هستند اگر به صورت رسمی و یا غیر رسمی در خصوص انجام و عدم انجام کاری که مربوط به همان حوزه شغلی آن ها می باشد پول، مال یا سند .محسوب می شوند **مرتشی** پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم و یا غیرمستقیم قبول نمایند در حکم

ارکان رشوه

در قانون ما ارتشا به دو دسته تقسیم می شود

• جرم رشوه

- عمل ارتشا در قانون ما در تعریفی ساده به معنای پذیرش وجه نقد و یا مال به جهت انجام یا عدم انجام یک امر می باشد

• راشی و مرتشی

- راشی به فردی گفته می شود که برای انجام یک کار و عدم انجام آن حال تحت عنوان دریافت یک امتیاز یا در نظر نگرفتن یک پرونده رشوه می پردازد؛ مرتشی به شخصی گفته می شود که رشوه را در قبال آن کار دریافت می نماید

شرایط تحقق رشوه

ارتشا نیز مانند سایر جرایم برای آن که تحقق شود به شرایطی احتیاج دارد که بتوان به موجب آن فرد رشوه گیرنده (مرتشی) را مجرم تلقی نمود

- رشوه گیرنده باید مبلغ، مال و یا سندی را که مرتبط با پرداخت وجه یا تسلیم مال می باشد را به طور مستقیم و یا غیرمستقیم قبول نماید
- توافقات بین رشوه دهنده و گیرنده باید در خصوص انجام یا عدم انجام کاری باشد و در این خصوص تفاوتی ایجاد نمی کند فرد مذکور کارمند رشوه گیرنده باشد و یا مأمور دیگری در آن سازمان این امر را انجام دهد
- رشوه دهنده باید از این که فرد مقابل کارمند دولت می باشد آگاهی داشته باشد در غیر این صورت ارتشا محقق نمی شود
- چیزی که به مرتشی جهت رشوه داده می شود حتماً باید دارای مالیت باشد و اگر جنبه مالی برای آن وجود نداشته باشد دیگر جرم ارتشا محسوب نمی شود

مجازات رشوه

در قانون ایران جرم انگاری شده است و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است که در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا به آن اشاره شده است

- به انفسال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم **نباشد بیش از ۲۰ هزار ریال** اگر قیمت مال یا مبلغ دریافتی خواهد شد و اگر منصب فرد در آن ارگان دولتی و یا سازمان وابسته به دولت مدیر کلی باشد به انفسال دائم محکوم خواهد شد

- از یک تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت **تا ۲۰۰ هزار ریال باشد** اگر قیمت مال یا مبلغ دریافتی مال و نیز انفصال موقت شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و اگر در منصب مدیر کل باشد به انفصال دائم محکوم خواهد شد.
- مجازات در نظر گرفته شده دو تا **بیش از ۲۰۰ هزار ریال تا ۱ میلیون ریال باشد** اگر قیمت مال یا مبلغ پنج سال حبس به همراه جزای نقدی معادل قیمت مال و انفصال دائمی از خدمات دولت تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد و اگر در منصب مدیر کل باشد به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم می شود.
- مجازات در نظر گرفته شده پنج تا ده سال حبس و به انفصال **بیش از ۱ میلیون ریال باشد** اگر قیمت مال دائم محکوم خواهد شد و در صورتی که در منصب پایین تر از مدیر کل باشد به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم می شود.

یکی از بازرگانان ثروتمند، سید محمد باقر درچه ای را با چند تن از علماء و طلاب دعوت کرده بود. سفره ای از غذاهای متنوع با انواع تکلف و تنوّع گسترده بود. آن مرحوم به عادت همیشگی مقدار کمی غذا خورد. پس از آنکه دست و دهانها شسته شد، میزبان قباله ای را مشتمل بر مسئله ای که به فتوای سید حرام بود، برای امضا حضور آن مرد روحانی آورد. وی دانست که این مهمانی مقدمه ای برای امضاء این سند بوده و شبهه رشوه داشته است.

رنگش تغییر کرد و تنش به لرزه افتاد و فرمود: من بتوجه بدی

کرده بودم که این زقوم را به حلق من کردی؟ چرا این نوشته هارا قبل از ناهار نیاوردی تا دست به این غذای آلوده نکنم؟ پس آشفته حال برخاست و دوان دوان به مدرسه آمد و کنار باغچه مدرسه، مقابل حجره اش نشست و با انگشت به حلق فرو کردن، همه را استفراغ کرد و پس از آن، نفس راحتی کشید!

حرص و دنیا طلبی

حرص از اموری است که سرچشمه گناهان زشت دیگری می شود و از آن جمله عدم مراعات حلال و حرام و ترک احترام به حقوق مردم و آلوده شدن به انواع ظلم و ستمهاست، به همین دلیل امیرمؤمنان علی (ع) از جمله دستورهای مهمی که در فرمان معروف خود به مالک اشتر داد این بود: «لاتدخلن فی مشورتک حریصا یزین لک الشره بالجور!؛ هرگز آدم حریص را به عنوان مشاور خود انتخاب مکن چرا که او تمایل به ستمگری را در نظر تو زینت می دهد!»

هنگامی که حرص بر انسان غلبه کند حتی نسبت به برادر ضعیف و ناتوان خود مرتکب ظلم فاحش می شود که هر انسان با وجدانی آن را نکوهش می کند.

آری حرص بر مال دنیا حد و مرزی نمی شناسد و انسان را به بدترین ظلم و ستمها وادار می کند.

در آیه زیر، اشاره به حرص یهود شده و مورد نکوهش شدید قرار گرفته اند می فرماید:

«آنها را حریص ترین مردم بر زندگی دنیا می یابی حتی حریص تر از مشرکان»، (و لتجدنهم احرص الناس علی حیاة و من الذین اشركوا)

حریص در اندوختن اموال و ثروتها، حریص در قبضه کردن دنیا و حریص در انحصار طلبی و عجب اینکه آنها از مشرکان که پایبند به هیچ دین و آیین آسمانی نبودند نیز حریص تر بودند، در حالی که تعلیمات آیین آسمانی می بایست آنها را از این کار باز می داشت، ولی آنها آنقدر حریص بودند که بر افراد بی دین نیز پیشی می گرفتند.

«آنها چنان علاقه به دنیا داشتند که هر کدام آرزو می کردند هزار سال عمر کنند»، (یود ادهم لو
يعمر الف سنه)

برای گردآوری ثروت بیشتر، یا به خاطر ترس از مجازات الهی که به جهت ستمهایی که در جمع
آوری ثروتهای حرام یا خونریزی بی گناهان مرتکب شده بودند، آرزوی چنین عمر طولانی
می کردند.

قابل توجه اینکه امروز نیز همان خوی زشت حرص شدید در آنان دیده می شود، بلکه شدیدتر و
گسترده تر از گذشته! تاریخ معاصر گواهی می دهد که آنها برای افزودن به حجم ثروتهای کلان
خویش از هیچ جنایتی ابا ندارند، جنگهای خونین به راه می اندازند، خونهای بی گناهان را می ریزند،
آتش فتنه و فساد بر پا می کنند، همسایگان را به جان هم می اندازند و برای فروش اسلحه بیشتر و مواد
مخدر و ثروت اندوزی بیشتر هر کاری از دستشان ساخته باشد انجام می دهند و برای تحکیم پایه های
قدرت خود پنجه بر وسایل ارتباط جمعی دنیا افکنده و از هیچ دروغ و تهمتی نسبت به دیگران ابا
ندارند.

اگر کسی بخواهد آثار شوم و مرگبار حرص و دنیا پرستی را ببیند، باید اعمال این قوم و ملت را
بنگرد!

تعبیر به حیا به صورت نکره، در آیه مورد بحث، گویا اشاره به این حقیقت است که آنها فقط
می خواهند زنده بمانند، لذت ببرند، اما کدام حیات و زندگی، حیات انسانی؟ یا حیات حیوانات؟ یا
درندگان بیابان؟ هر چه باشد برای آنها تفاوتی ندارد.

به گفته بعضی از مفسران این آیه تنها سخن از یهود نمی گوید، بلکه هشدار است به همه افراد که در
عاقبت حرص و دنیا پرستی بیندیشند مبادا در همان گردابهایی که قوم یهود افتادند گرفتار شوند.

در آیات قرآن و روایات اسلامی آمده است که یهود، بسیاری از پیامبران را کشتند، تنها به دلیل اینکه آنها را مخالف منافع نامشروعشان می‌دیدند و نیز بسیاری از آیات الهی را به همین جهت تحریف کردند و اینها همه از پیامدهای حرص آنها بود.

بررسی حال دنیاپرستان عجایب و شگفتی‌هایی به ما نشان می‌دهد که عقل آدمی را مات و مبهوت می‌کند، بعضی از آنان را سراغ داریم با اینکه در علوم ظاهری و مادی پیش رفته بودند، هدفی جز جمع آوری ثروت نداشتند و هنگامی که از آنها سؤال می‌شد شما با این ثروت چه می‌خواهید بکنید، نه تشکیل خانواده داده‌اید نه مسافرت‌های تفریحی می‌روید و نه... در پاسخ می‌گفتند: ما از این دلخوش هستیم که یک «صفر» بر ارقام اموال ما افزوده شود!

{اخلاق در قرآن}

مجازات‌های حق الناس در عالم پس از مرگ

از جمله عواملی که حسابرسی انسان را با شدت و سختی مواجه می‌کند، حق الناس است. از این جهت در آموزه‌های دینی، ضایع کردن حقوق دیگران، بسیار مذمت شده است. حق الناس در عالم برزخ قابل گذشت نیست و حتی افراد نیکوکار را هم معذب خواهد کرد. خداوند متعال، از حق الناس، ولو کم باشد، نمی‌گذرد. در روایات می‌خوانیم که خداوند متعال ممکن است از حق الله بگذرد، اما به عزت و جلال خود سوگند خورده است که از حق الناس نخواهد گذشت:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا بَرَزَ لِيَخْلُقَهُ أَقْسَمَ قَسَمًا عَلَى نَفْسِهِ فَقَالَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَجُوزُنِي ظَلْمُ ظَالِمٍ «
وَلَوْ كَفَّ يَكْفٍ وَ لَوْ مَسَحَتْ يَكْفٍ وَ لَوْ نَطَحَتْ مَا بَيْنَ الْقُرْنَاءِ إِلَى الْجَمَاءِ فَيَقْتَصُّ لِلْعِبَادِ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ حَتَّى لَا

[تَبْقَى لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ مَظْلَمَةٌ ثُمَّ يَبْعَثُهُمُ لِلْحِسَابِ]»⁴

حقّ النَّاس شامل تمام حقوقی می‌شود که انسان‌ها بر یکدیگر دارند و به دو قسم مالی و آبرویی تقسیم می‌شود. حقّ النَّاس مالی به معنای از بین بردن اموال مردم، تصرفِ عدوانی در اموال ایشان، غصب و امثال آن است. حقّ النَّاس آبرویی نیز نظیر غیبت، تهمت، شایعه پراکنی و نقل قول بی‌اساس است که موجب آبروریزی دیگران می‌شود.

عذاب ناشی از اعمالی که شبهه حقّ النَّاس دارد

حقّ النَّاس؛ مالی یا آبرویی؛ بسیار حائز اهمیت است و روایات فراوانی راجع به آن وجود دارد. اهمیت و حسّاسیت حقّ النَّاس به قدری است که حتی افکاری که شبهه حقّ النَّاس دارد نیز در برزخ انسان را معذب خواهد کرد. در روایتی آمده است: یک قاضی مقدّس و بسیار عابد از دنیا رفت. او حقّی را ناحق نمی‌کرده و علاوه بر شهرت به قضاوت عادلانه، مؤمن و متّقی بوده است و از این رو همسرش یقین داشته که وی بهشتی است. وقتی زن جسد شوهر را در لحد قرار داد و پارچه روی صورت او را کنار زد، دید ماری از بینی او بیرون آمد و شروع به کندن و خوردن صورت او کرد. زن از این وضعیت عجیب ترسید. هنگام شب، شوهر خود را در خواب دید و از آنچه رخ داده بود سؤال کرد و گفت: تو که انسان خوبی بودی! پس این مار چه بود؟ قاضی جواب داد: آن به خاطر برادر توست. روزی برادر تو با کسی نزاع داشت. برای حلّ مسأله به نزد من آمدند و من در دل خود دوست داشتم که حق با برادر تو باشد. - نه اینکه العیاذ بالله ناحقی باشد، بلکه دوست داشتم حق با برادر زنش باشد - البته نتیجه حکمیت به نفع برادرت شد و من از این امر خوشحال شدم و با اینکه واقعاً حق با برادر تو بود، اکنون گرفتارم!⁵ همین که قاضی در دل بین دو مسلمان تفاوت قائل شده، عمل او در برزخ مجسّم شده و موجب آزار او گردیده است.

ضرورت پرهیز از حقّ النَّاس آبرویی

حقّ النَّاس فقط در مال نیست، بلکه حقّ النَّاس آبرویی بسیار مهم‌تر است. کسی نمی‌تواند آبروی دیگران را ببرد، به راحتی غیبت کند، با تهمت زدن، وجهه اجتماعی و یا سیاسی افراد را خراب کند، و انتظار

⁴ الکافی، ج 2، ص 443

⁵ الکافی، ج 7، ص 410

داشته باشد مورد شفاعت اهل بیت «سلام الله علیهم» نیز واقع گردد. متأسفانه در جامعه فعلی، بسیاری از حرف‌های رایج، خصوصاً در مسائل سیاسی و اجتماعی، تهمت و یا غیبت است. پاسخ‌گویی به این نوع گناهان در برزخ و قیامت، برای انسان سخت خواهد بود و عذاب سخت الهی را به دنبال دارد. مرحوم محدث قمی در آخر کتاب شریف مفاتیح الجنان می‌فرماید: خواب شخصیت بزرگی را دیدم، او گفت: شما را به خدا، لأقل این استخوان‌هایی که پیش گربه و سگ‌ها می‌اندازید، به یاد ما و برای ما بیندازید در روایات آمده است که اگر کسی به دیگری تهمت بزند، در روز قیامت روی تلّی از چرک و خون قرار می‌گیرد تا حسابرسی خلایق تمام شود. سپس او را به جهنّم می‌برند و فریاد جهنّمیان از حضور این شخص بلند می‌شود.

برای رهایی از حقّ الناس، انسان باید در این دنیا به فکر باشد. حقّ الناس بسیار مشکل است و سختی‌های آن از هنگام مرگ شروع می‌شود و تا قیامت و پس از آن تا خدا، خدایی می‌کند، گریبان انسان را خواهد گرفت، مگر آنکه جدّاً مورد شفاعت قرار گیرد⁶

مرگ سخت تاجر!

یکی از طلاب قم بنام سید مهدی کشفی می‌گوید: یکشب برای نماز شب بلند شدم و خواستم که آفتابه را بردارم ناگاله دیدم خانه ما که پنجاه، شصت متر بیشتر نبود خیلی بزرگ است و بصورت کاروانسرای خیلی بزرگی است که حجره‌های فراوانی دارد! ناگاه از یکی از حجره‌ها صدای دلخراشی شنیدم. وقتی بطرف آنجا رفتم دیدم که در حجره یک نفر را خوابانده و سنگی به بزرگی اتاقی روی سینه‌اش گذاشته‌اند و یک نفر هم بالای سنگ خوابیده و یک میله آهنی در دست دارد که آن راتوی گلوی این شخص فشار می‌دهد. من هرچه

⁶ <https://www.balagh.ir/content/12268>

کردم در را باز کنم تا کمک او بروم نشد. آن شخص را می‌شناختم از تجار تهران بود. مأیوس برگشتم و بعد از چند ساعت خدمت آیه الله میرزا جواد ملکی تبریزی رفت و ما جرا را تعریف کرد. ایشان گفت آن کسی که دیدی در حال جان‌کندن بوده و آن سنگ هم تعلّق به دنیایش است و آنی هم که روی سنگ میله در دست داشته ملک الموت بوده است. بعد از چند روز خبر فوت آن تاجر رسید که مطابق بود با تاریخی که من آن صحنه را در خانه دیدم.

روی سنگ داغ!

در بیانی می‌خوانیم: یک روز رسول خدا(ص)، سلمان فارسی و ابوذر غفاری را که از یاران بلند مقام و ممتاز آن حضرت بودند، نزد خویش فرا خواند و به هر یک مبلغ پولی هدیه داد.

سلمان وقتی حضور پیامبر(ص) را ترک گفت، پولی را که دریافت داشته بود، در مسیر خود میان بی‌نویان و تهی‌دستان تقسیم کرد، اما ابوذر آن پول را، صرف مخارج معاش و زندگی خویش نمود.

روز بعد که آن حضرت آن دو را دعوت نموده بود، دستور داد سنگی را با آتش داغ کنند و سلمان و ابوذر بالای آن رفته، توضیح دهند با پولی که دریافت داشته‌اند، چه کرده‌اند؟

سلمان، روی سنگ داغ رفت و قبل از آن که گرفتار ناراحتی و آسیبی شود، به‌طور سریع گفت: انفق فی سبیل الله.

پولی را که به من دادی، در راه خدا به نیازمندان پرداخت کردم.

اما وقتی نوبت به ابوذر رسید، بالای سنگ قرار گرفت و خواست موارد مصرف دریافتی خود را بیان کند، داغی سنگ به او مهلت نداد و قبل از آن که بتواند حساب خود را پس بدهد، از سنگ پایین آمد!

رسول خدا(ص) فرمود: ای ابوذر! تو را مورد عفو قرار دادم، اما این را بدان، کسی که طاقت تحمل این سنگ داغ را ندارد، هرگز نمی تواند حرارت آتش دوزخ را تحمل کند⁽¹²⁾.

البته توجه داریم، که مقام سلمان و ابوذر خیلی از این مراحل بالاتر بوده، رسول خدا(ص) آنان را خوب می شناخت و آنان هم در مراحل مختلف سخت و طاقت فرسا، امتحان خود را داده، و ایمان و زهد و صداقت و عدالت خویش را، بارها به اثبات رسانده بودند، و اگر پیامبر(ص) چنین آزمایشی را از آنان به عمل آورده باشد، عمدتاً به منظور عبرت و آموزش دیگران بوده است.

به خاطر سه درهم!

روزی بعد از نماز، رسول خدا(ص) به اصحاب فرمود: در اینجا از قبیلۀ بنی نجار احدی هست؟ زیرا دوست آنها با آنکه شهید شده است، ولی بخاطر سه درهم که به فلان شخص یهودی بدهکار بوده است، به او اجازه ورود به بهشت را نداده اند!

عده ای حیوان محشور می شوند!

شخصی از رسول خدا(ص) درباره آیه -فَتَأْتُونَ أَفْوَاجاً- یعنی:

فوج فوج می آید. سؤال کرد. حضرت گریست و فرمود: سؤال مهمی کردی! در قیامت، عده‌ای از مردم، بصورت‌های مختلف، محشور می شوند.

1- شایعه سازان، بصورت میمون! 2- حرام خواران، بصورت خوک! 3- رباخواران، بصورت واژگون! 4- قاضی ناحق، بصورت کور! 5- خودخواهان مغرور، بصورت کر و لال! 6- عالم بی عمل، در حال جویدن زبان

خود! 7- همسایه آزار، بصورت دست و پا بریده! 8- خبرچین، بصورت

آویخته به شاخه ای آتش! 9- عیاشان، بدبو تر از مردار! 10- متکبران، در

پوششی از آتش!

سه روایت مهم از امام صادق (ع)

1- کسیکه پول دارد ولی به حج نمی رود، روز قیامت، کور محشور می شود.

2- اگر مؤمنی به شخصی درباره چیزی که نیاز دارد، مراجعه کند و

آن شخص در حالیکه خود و یا با واسطه می تواند که رفع احتیاج او نماید ولی جواب رد بدهد، روز قیامت با صورتی سیاه و چشمانی برگشته و

دستهایش زنجیر شده به گردن، محشور می شود و به او گفته می شود:

این خائنی است که به خدا و رسولش، خیانت کرده است! سپس امر می

شود که به جهنم انداخته شود.

3- هر کسی که حق مؤمنی را ندهد، خداوند او را پانصد سال بر پایش نگه می دارد، بطوریکه عرق و خونس جاری شود و منادی ندا کند: این ظالمی است که حق مؤمنی را ضایع کرده است! و بعد از چهل روز توبیخ، به جهنم برده می شود.

پیامبر: کسی که مهر زنش را ندهد، نزد خدا زناکار محسوب می شود! خدا در قیامت به او می گوید: ای بنده ام! با شرایطی کنیزم را بتو تزویج کردم، ولی تو به شرایط عمل نکردی! سپس خدا، حق زن را از مرد می گیرد و -گاهی- همه حسنات مرد را برای زن حساب می کند و اگر باز زن طلبکار بود، مرد را به جهنم می برند!

کسی که شهادتی را مخفی کند، خدا گوشت او را بر اهل محشر می ریزد و داخل جهنم می گردد 1

کسی که دو زن داشته باشد و عدالت را در مورد نفقه و خودش،

رعایت نکند، روز قیامت با غل و زنجیر محشور شده و داخل دوزخ می

گردد!

کسیکه سیلی به صورت مسلمانی بزند، خداوند در روز قیامت،

استخوانهای او را جدا کند و در غل و زنجیر محشور شده و به جهنم، داخل می شود!

کسیکه به مرد یا زن همسر دار، تهمت زند، خداوند عمل او را باطل کند و در

قیامت، هتاد هزار فرشته از مقابل و پشت سر، او را با تازیانه می زنند تا داخل دوزخ گردد!

کسیکه شهادت دروغ بر علیه مسلمانی و یا اهل کتابی و یا دیگری

بدهد، روز قیامت به زبانش آویزان می شود و در درک اسفل با منافقین خواهد بود!

و کسیکه دنبال عیب جوئی مؤمنی باشد، خداوند او را به جهنم می اندازد و عورت او را

بر همه خلایق، آشکار سازد!

رؤسا!

رسول خدا (ص): هر کسیکه در دنیا مسئول و رئیس باشد، اگر چه برده نفر، روز قیامت

در حالیکه دستهایش به گردنش بسته شده محشور می

شود! سپس اگر آدم نیکو کاری بود، آزاد می شود و اگر ظلمی کرده باشد،

بر زنجیرهایش افزوده می شود!

یکی از راههای پاک شدن از حق الناس خواندن دعای روز دوشنبه است.

فرازهائی از دعای روز دوشنبه {

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُكَ لِکُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتُهُ، وَ کُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ، وَ کُلِّ عَهْدٍ عَاهَدْتُهُ باشد خدایا از تو آمرزش
خواهم برای هر نذری که کرده‌ام و هر وعده‌ای که دادم و هر عهده‌ای که بستم

ثُمَّ لَمْ اَفِ بِهِ، وَ اَسْأَلُكَ فِیْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ عِنْدِیْ، فَاَیُّمَاعْبُدٍ مِنْ عِبِدِكَ اَوْ اَمَةٌ ولى به آن وفا نکرده‌ام و
درباره حق و مظلومه‌هایی که از بندگان به گردن دارم درخواست می‌کنم که هر بنده‌ای از بندگان

مِنْ اِمَّا نِکَّ، کَانَ لَهُ قَبْلِیْ مَظْلَمَةٌ ظَلَمْتُهَا اِیَّاهُ فِیْ نَفْسِهِ، اَوْ فِیْ عِرْضِهِ اَوْ فِیْ یَا هِر کِنِیزَانْت
که در گردن من حقی دارد و از من ستمی به او رسیده در جان‌ش یا در ابرویش یا

مَالِهِ، اَوْ فِیْ اَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ، اَوْ غِیْبَةً اَعْتَبْتُهُ بِهَا، اَوْ تَحَامُلٌ عَلَیْهِ بِمِیْلٍ اَوْ هَوًیْ در مالش یا در خانواده و
فرزندش یا غیبتی از او کرده‌ام یا باری بر دوشش نهاده‌ام که سببش خواهش یا هوای نفس

اَوْ اَنَفَةً اَوْ حَمِیَّةً، اَوْ رِیَاءً اَوْ عَصَبِیَّةً، غَا نِبَا کَانَ اَوْ شَاهِدًا، وَ حَیًّا کَانَ اَوْ مِیَّتًا، یا خودخواهی یا رشک
یا خودنمایی یا تعصب بیجا بوده چه آن کس غایب باشد چه حاضر، زنده باشد یا مرده،

فَقَصُرَتْ یَدِیْ وَ ضَاوُسَعِیْ عَنْ رَدِّهَا اِلَیْهِ وَ اَلْتَحَلَّلْتُ مِنْهُ، فَاسْأَلُكَ یا مَنْ وَ دَسْتُ مِنْ اَکْثَرِ کَوْتَاهُ وَ وَسَعَمِ
نارسان است از اینکه آن حق را به او رد کنم و از او حلالیت جویم پس از تو

يَمْلِكُ الْحَاجَاتِ، وَهِيَ مُسْتَجِيبَةٌ لِمَشِيَّتِهِ، وَ مُسْرِعَةٌ إِلَى إِرَادَتِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ مِي خَوَاهِمِ اِي كَسِي كِه مَالِكُ
حَاجَاتِي وَ بِه خَوَاسْتِ تُو أَنَهَامِ سْتَجَابِ كَرْدَدِ وَ بَسُوِي ارَادَهَاتِ شَتَابَانِ شُونَد (مِي خَوَاهِمِ) كِه دَرُودِ
فَرَسْتِي

عَلَى 'مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرْضِيَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتُ، وَ تَهَبَ لِي مِنْ عِنْدِكَ بِرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنِ
شَخْصِ رَا بِه أَنطُورِ كِه خَوَاهِي اَزِ مَنْ خُوشنُودِ كَرْدَانِي وَ اَزِ نَزْدِ خُودِ
رَحْمَةً

رسول خدا: «خداوند عزوجل روز قیامت می فرماید: امروز ظالم و هر که بر او مظلومه ای
است، به بهشت و جهنم راهی ندارد تا زمانیکه از او در حساب، ظلمش گرفته شود! سپس
اینهارا بسوی عرصه می برند در حالیکه پروردگار بر عرش است و دواتهای -نوشتن اعمال-
نصب شده و میز آنها نهاده شده و پیامبران و شهداء که همان امامان
می باشند، حاضر هستند.... شخصی پرسید: ای رسول خدا! اگر مؤمنی بر کافری مظلومه ای داشته
باشد، در حالیکه کافر جهنمی است، چگونه آنرا پس می گیرد؟ فرمود: از گناهان مؤمن بر می
دارند و به اعمال کافر اضافه می کند!... سؤال شد که اگر مسلمانی بر مسلمان دیگر حقی
داشته باشد چگونه اداء می شود؟ فرمود: از کارهای خوب ظالم بر می دارند و به مظلوم می
دهند. سؤال شد: اگر ظالم کارهای خوب نداشته باشد؟ فرمود: از گناهان مظلوم بر می دارند
و بر ظالم می گذارند!»

رسول خدا(ص): «آیا می دانید که مفلس کیست؟ گفتند: مفلس کسیست که درهم و دینار ندارد! فرمود: مفلس اَمّت من، شخصی است که نماز و روزه دارد ولی روز قیامت در حالی محشور می شود که در دنیا-

به کسی دشنام داده و یا حقّ دیگری را ضایع نموده و یا به مال دیگری

تجاوز نموده است! برای جبران از حسناتش بر می دارند و به این و آن می

دهند و چنانچه حسناتش کم باشد، از گناهان صاحبان حق، به حساب او

می گذارند، سپس او را در آتش می اندازند.»